

جهاد در راه الله تعالى
فضیلت و مرتبت آن و راه‌های پیروزی بر
دشمنان

تألیف: نیازمند الله تعالى
سعید بن علی بن وهف قحطانی

مترجم: پدرام اندایش

سرشناسه	: قحطانی، سعید
عنوان قرارداد	: Qahtani, Said ibn Ali ibn Wahf
عنوان و نام پدیدآور	: الجهاد فی سبیل الله . فارسی
مشخصات نشر	: سنندج: یالای رووناکی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۹۰ ص.
شابک	: 978-600-8551-12-6
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتاب حاضر از سایت www.shamela.ws دانلود و ترجمه شده است.
موضوع	: جهاد
موضوع	: Jihad
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ج۹۰۴۱/ق۳/۱۹۶۷/۱ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۷۷
شماره کتابشناسی ملی	:

ناشر: ئالای روناکی

جهاد در راه الله تعالی فضیلت و مرتبت آن و

راههای پیروزی بر دشمنان

مؤلف: نیازمند الله تعالی

سعید بن علی بن وهف قحطانی

طراح جلد: مترجم و چاپ سنور

مترجم: پدram اندایش

شابک: 978-600-8551-12-6

فهرست

1	جهاد در راه الله تعالى
4	مقدمه ی مترجم:
6	مقدمه ی مؤلف.....
9	مبحث اول: مفهوم جهاد در معنای لغوی و مفهوم شرعی آن:
9	مبحث دوم: حکم جهاد در راه الله تعالى:
13	مبحث سوم: مراتب جهاد در راه الله تعالى:
18	مبحث چهارم: حکمت و دلیل مشروعیت جهاد:
26	مبحث ششم: فضیلت جهاد در راه الله تعالى:
52	مبحث هشتم: شهید شدن در غیر صحنهی جنگ:
60	مبحث نهم: اسباب پیروزی بر دشمنان:

مقدمه‌ی مترجم:

به نام الله و برای الله و با یاد الله، کتابی که پیش رو داریم درباره‌ی جهاد است، جهادی که نزد بعضی از مسلمانان فراموش شده است و نزد بعضی دیگر با بدعت در فقه آن، آمیخته است. کسی که جهاد کند، الله تعالی به او وعده‌ی پیروزی داده است، البته اگر این عمل او قبول شود و با اخلاص صورت گیرد و بر اساس سنت پیامبر ﷺ باشد، ما دینی داریم که اساس آن بر خیر خواهی است، زیرا پیامبر ﷺ فرموده است: (دین همه‌اش خیرخواهی است)^۱، پس جهاد ما نیز باید برای خیر خواهی باشد، برای پخش شدن اسلام و قطع دست کسانی که مردم را به سوی جهنم سوق می‌دهند، وقتی ما خودمان عادل باشیم، همین باعث می‌شود تا به مانند صدر اسلام، مردم سرزمین‌های کفر به زمامداران خود پشت کنند و راه ورود اسلام را باز کنند و دوست داشته باشند که حاکم کشور آنها شخصی مسلمان باشد، حتی اگر خود آنها مسلمان نباشند، نمونه آن در صدر اسلام زیاد بوده است.

^۱ - اشاره دارد به حدیثی با این آدرس: (صحیح مسلم ۲۰۵، صحیح الجامع شیخ آلبنانی ۱۶۱۰، ۳۴۱۷، سنن ابوداود ۴۹۴۶، سنن نسائی ۴۱۹۷، ۴۱۹۸، ۴۱۹۹،

اما بدعت‌هایی که در فقه جهاد وجود دارد و باعث یاری نشدن و عدم پیروزی می‌شود:

- 1- خود انفجاری^۱.
- 2- کشتن مردم بی‌دفاع و غیر نظامی.
- 3- در آمد از راه نامشروع مثل مواد مخدر.
- 4- بمب گذاری و کشته شدن مسلمانان در این بمب گذاری‌ها، زیرا الله تعالی می‌فرماید: کسی که مؤمنی را به ناحق بکشد، تا ابد در جهنم خواهد بود^۲ و پیامبر ﷺ، آن را از هلاک کننده‌ها نام برده است.
- 5- تکفیر کسانی که موقعیت مسلمانان را در ضعف می‌بینند و مانند جنگ احزاب جهاد نظامی نمی‌کنند، بلکه راه حل دیپلماتیک را اتخاذ می‌کنند.

اگر باورتان نمی‌شود که این موارد بدعت می‌باشند و باعث یاری نشدن هنگام جهاد می‌شوند، به تاریخ جهاد اسلامی بازگردید و ببینید از وقتی که این مسائل در بین مجاهدین ایجاد شد، نوار پیروزی‌های اسلام قطع شد. به طور مثال جنگ مسلمانان در افغانستان با ابر قدرت شوروی کمونیست را یاد کنید، هیچ کدام از این موارد در مجاهدین آن

¹ - در جایی مثل فلسطین که چاره‌ای بجز آن وجود ندارد، این حقیر سکوت می‌نمایم. (مترجم)

² - اشاره دارد به آیه 93 سوره‌ی النساء. (مترجم)

زمان وجود نداشت و الله تعالی که مسبب الاسباب است، آنان را پیروز گرداند.

ان شاء الله در مسیری قرار بگیریم که داوطلبان جهاد زیاد شوند و در پی آن توان نظامی لازم برای برخورد با دشمنان اسلام را پیدا کنیم و عزت تازه از دست رفته‌ی مسلمانان را دوباره زنده کنیم.

مقدمه‌ی مؤلف

شکر و ستایش برای الله است، او را حمد گفته و از او کمک می‌- طلبیم و از او طلب آمرزش می‌نماییم. به الله تعالی پناه می‌بریم از شرهای درونیمان و از بدی‌های اعمالمان. کسی را که الله تعالی هدایت کند، گمراه کننده‌ای ندارد و کسی را که گمراه سازد، هدایت کننده‌ای ندارد. گواهی می‌دهم که پرستش شونده‌ی بر حقی جز الله وجود نداشته و یکتا و بی‌شریک است و محمد بنده و فرستاده‌ی وی می‌- باشد، رسالت را ابلاغ داشت و امانت را ادا نمود و برای امت خیرخواهی کرد و در راه الله تعالی به اندازه‌ی حق جهادش، جهاد نمود. صلوات الله و سلامه علیه و علی آله و أصحابه و من تبعهم بإحسان إلی یوم یبعثون و سلم تسلیماً کثیراً. أما بعد...

این مبحثی مختصر است درباره‌ی فضیلت جهاد در راه الله تعالی و مسائلی که باعث می‌شود تا بر دشمنان پیروزی حاصل شود، توسط

آن هر مجاهدی را که برای اعلاى كلمه‌ى الله تعالى جهاد مى‌کند را بالا برده‌ام؛ همان مجاهدانى که در مشرق زمين و در مغرب آن و بر روى هر زمينى و زير هر آسمانى در راه الله تعالى جهاد مى‌کنند.

در اين کتاب اين موارد بيان شده است: مفهوم جهاد، حکمش، مراتبش، حکم در مشروعيتش، انواع جهاد و فضيلت آن و همچنين ترساندن از ترک جهاد و بيان نمودن شهيدانى که در غير صحنه‌ى نبرد شهيد مى‌شوند و همچنين اسباب و عواملی که باعث پيروزی بر دشمنان مى‌شود. از الله ﷻ درخواست مى‌نمايم تا مجاهدان در راهش را در هر مکانی ياری نمايد و به آنها توفيق عملی را دهد که باعث پيروزی و اسباب آن مى‌شود و همچنين به آنها توفيق اخلاص در سخن و عمل دهد و همچنين توفيق به رغبت داشتن به ثواب بزرگ و تجارتي پر سود و رستگار شدن در دنيا و آخرت که جز الله تعالى کس ديگری نمی‌تواند آن را مهيا کند.

از الله تعالى درخواست دارم تا اين عمل را مبارک قرار دهد و توسط آن به من در زندگى‌ام و بعد از مرگ منفعت رساند و توسط آن به من در چيزی منفعت دهد که همه‌ى امور به آن ختم مى‌شود؛ او سبحانه گرامی‌ترين آرزو شونده و بهترين سوال شونده است و او برای ما کافی است و نيك نگهبانى مى‌باشد و هيچ قدرت و توانی بدون اذن

الله بزرگ و بلند مرتبه وجود ندارد و صلی الله و سلم و بارک علی
نبینا محمد و علی آله و أصحابه و من تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

مؤلف

1411/2/6هـ

مبحث اول: مفهوم جهاد در معنای لغوی و مفهوم شرعی آن:

در لغت به معنای: بخشش و بذل نمودن قدرت تا آنجا که توانایی وجود دارد، چه در سخن و چه در عمل^(۱).
در شرع به معنای: کوشش نمودن مسلمانان در جنگ با کافران، ستمگران و مرتدان و مانند آنها.

مبحث دوم: حکم جهاد در راه الله تعالی:

جهاد فرض کفایی است و اگر توسط بعضی از مسلمانان انجام شود [و تعداد آنها کافی باشد] بر بقیه‌ی افراد آنها واجب نمی‌شود. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾ [التوبة: 122] (برای مؤمنان شایسته نیست که همگی [برای جنگ با دشمنان] خارج گردند، پس چرا از هر قوم و قبیله‌ای گروهی از آنها بیرون نمی‌روند تا [کسانی که خارج نشده‌اند] در دین آگاهی کسب کنند و قومشان را بعد از بازگشت، تنذیر(ترساندن از الله تعالی و عذاب او) کنند تا [از گناه و نافرمانی] برحذر شوند).

(۱) نگاه شود به النهایة فی غریب الحدیث لابن الأثیر 319/1 باب الجیم مع الهاء،

والمصباح المنیر، مادة "جهد" 112/1.

جهاد در سه حالت فرض عین (واجب حتمی و همه گیر) است^(۱):

1- وقتی دو گروه جنگ [یعنی مسلمانان و کافران] جلوی یکدیگر صف بکشند و برای جنگ آماده شوند در این حالت است که بر هر مسلمانی که در آنجا وجود دارد، جهاد فرض عین می باشد. الله تعالی می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [الأنفال: 45] (ای کسانی که ایمان آورده اید! وقتی گروهی [از جنگجویان دشمن] را ملاقات نمودید، پس ثابت قدم باشید و الله را بسیار یاد کنید! باشد که رستگار شوید). الله سبحانه می - فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوهُمُ الْأُدْبَارَ * مِنْ يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾ [الأنفال: 15، 16]. (ای کسانی که ایمان آورده اید! وقتی با لشکر کافران روبرو شدید، به آنها پشت نکنید و فرار ننمایید! * و کسی که در آن روز پشت کند، مگر آن که برای نبرد [تازه] یا پیوستن به گروهی [دیگر از مسلمانان این کار را انجام دهد]، خشم الله بر وی فرود می آید و جایگاه او جهنم است و بد جایگاهی می باشد). پیامبر ﷺ نیز وقتی هفت هلاک

(۱) نگاه شود به المغنی لابن قدامة 8/13.

کننده(الموبقات) را یاد نمود، پشت نمودن به دشمن و فرار کردن از او، در صحنه‌ی جنگ را نیز از آنها شمرد^(۱).

2- وقتی دشمن به سرزمین مسلمانان وارد شود، برای اهل آن سرزمین جنگ نمودن با وی و طرد نمودنش فرض عین است و اگر اهل آن سرزمین توانایی خارج کردن دشمن را نداشتند بر مسلمانان لازم است، تا مسلمانان آن سرزمین را یاری دهند و هر نقطه‌ای که نزدیکتر باشد، واجب است از آن شروع کنند، الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَعَلِّمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾ [التوبة: 123] (ای کسانی که ایمان آورده- اید! با کافرانی که به شما [از نظر فاصله] نزدیکترند، بجنگید و از شما درشتی و شدت ببینند و بدانید که الله همراه پرهیزگاران است).

3- وقتی امام مسلمانان از آنها بخواهد که با دشمن وارد جنگ شوند، الله تعالی می‌فرماید: ﴿انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [التوبة: 41] (سبکبار و سنگین‌بار [برای جنگ] بیرون آید و با مالهایتان و

(1) متفق علیه: البخاری(بخاری)، کتاب الوصایا، باب قول الله تعالی: {إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا} برقم 2766، ومسلم، کتاب الإیمان، باب بیان الكبائر وأکبرها، برقم 89، من حدیث ابي هريرة رضي الله عنه.

جانهایتان در راه الله جهاد کنید! این برای شما بهتر است، اگر بدانید). ابن عباس رضی الله عنهما آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «لَا هِجْرَةَ بَعْدَ الْفَتْحِ وَلَكِنْ جِهَادٌ وَنِيَّةٌ وَإِذَا اسْتَنْفَرْتُمْ فَانْفِرُوا»^(۱) [برای اهل مکه] بعد از فتح [مکه] هجرتی وجود ندارد [چون از این به بعد، مکه از سرزمین‌های اسلامی محسوب می‌شود]، ولی جهاد و نیت وجود دارد و اگر از شما خواسته شد که [برای جهاد] بیرون روید، این کار را انجام دهید). الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ﴾ [التوبة: 38] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شما را چه شده است که وقتی به شما گفته می‌شود: برای [جهاد] در راه الله بیرون روید، [بدنهایتان] بر روی زمین سنگینی می‌کند؟ آیا به زندگی دنیوی در برابر [زندگی] آخرتی راضی شده‌اید؟ کالای زندگی دنیوی در برابر آخرت جز چیز اندکی نمی‌باشد).

حالت جهادی که فرض عین است: گاهی با قلب، گاهی با زبان، گاهی با مال و گاهی با دست است. بر مسلمان واجب است تا به

^(۱) متفق علیه: البخاری (بخاری)، کتاب الجهاد والسير، باب فضل الجهاد والسير، برقم 2783، واللفظ له، ومسلم، کتاب الحج، باب تحريم مكة وصيدها، برقم

نوعی از این انواع جهاد بر حسب نیاز، در راه الله تعالی جهاد نماید و امر به جهاد با جان و مال، در قرآن و سنت بسیار زیاد می‌باشد. انس رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «جَاهِدُوا الْمُشْرِكِينَ بِالْأَسْنَتِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَأَمْوَالِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ»^(۱) (با مشرکین با زبانهایتان، جانهایتان، اموالتان و دستهایتان جهاد کنید!).

مبحث سوم: مراتب جهاد در راه الله تعالی:

جهاد چهار مرتبه دارد: جهاد با نفس، جهاد با شیطان، جهاد با کافران و منافقان، و جهاد با اهل ظلم و بدعت و منکر:
اول: جهاد با نفس چهار مرتبه دارد:

1- جهاد کردن با نفس، برای فراگیری امور دینی و هدایت که بدون این جهاد، رستگاری و خوشبختی در زندگی و آخرت شخص ایجاد نمی‌گردد.

2- جهاد کردن با نفس، با عمل نمودن به چیزی که آموخته شده است و اگر علم بدون عمل باشد، اگر ضرری نرساند، منفعتی نمی‌رساند.

(۱) أبو داود، کتاب الجهاد، باب کراهیة ترک الغزو، برقم 2504، والنسائی، کتاب الجهاد، باب وجوب الجهاد، برقم 3098، وأحمد واللفظ له، 153/3، وصححه الألبانی فی صحیح سنن أبی داود 475/2.

3- جهاد با نفس برای دعوت دادن به سوی دین با بصیرت و آموزش دادن آن به کسی که آن را نمی‌داند و این که به چنین شخصی پیامزد که اگر از کسانی باشد که آنچه را که الله تعالی از هدایت‌ها و روشنگری‌ها نازل فرموده است را بیوشاند، علم او به او سودی نرسانده و او را از عذاب الله تعالی نجات نمی‌دهد.

4- جهاد با نفس برای صبر نمودن بر سختی‌های دعوت به سوی الله تعالی و آزار دیدن از مخلوقات و همچنین چنین شخصی باید بداند که هر چه را که تحمل می‌کند برای الله تعالی می‌باشد و باید بداند که کسی که علم کسب کند و به آن عمل نماید و بر آن صبر نماید، چنین شخصی از جانب ملکوت آسمانها به شکل بزرگی خوانده می‌شود.

دوم: جهاد با شیطان که دارای دو مرتبه است:

1- جهاد با وی بر آنچه که به بنده، از شبهه‌ها و شکهای ایراد وارد کننده به ایمان، تلقین می‌کند.

2- جهاد با وی بر آنچه که از شهوت‌ها و خواسته‌های فاسده کننده به انسان القاء می‌کند، جهاد اول با یقین حاصل می‌شود و جهاد دوم با صبر بدست می‌آید، الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾ [السجدة: 24] (و از آنها پیشوایانی قرار دادیم که به سوی امر ما هدایت می‌کنند و این به واسطه‌ی آن است که صبر نمودند و بر آیات ما یقین حاصل کردند).

شیطان خبیث‌ترین دشمن است، الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ
عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾
[فاطر: 6] (شیطان با شما دشمن است، پس او را دشمن بگیرید! او
فقط حزب خود را فرا می‌خواند تا از اهل آتش جهنم باشند).

سوم: جهاد با کافران و منافقان:

دارای چهار مرتبه است:

1- با قلب.

2- با زبان.

3- با مال.

4- با دست و بدن.

جهاد با دست مخصوص کافران است و جهاد با زبان مخصوص

منافقان.

چهارم: جهاد با اهل ظلم، دشمنی، بدعت و امور منکر و زشت:

دارای سه مرتبه است:

1- با دست صورت می‌گیرد، اگر مجاهد توان آن را داشته باشد.

2- اگر با دست نتوانست با زبان.

3- اگر با زبان نیز نتوانست با قلب، ابوسعید رضی الله عنه آورده است که

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ

فَبَلِّسَانَهُ فَإِن لَّمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ»^(۱) (کسی که زشتی و منکری را دید، با دستش آن را تغییر دهد و اگر نتوانست با زبانش و اگر نتوانست با قلبش که این ضعیف‌ترین حالت ایمان است).

این سیزده مرتبه در جهاد است و کاملترین مردم نزد الله تعالی کسی است که مراتب جهاد او کاملتر باشد و مخلوقات بر اساس تفاوتشان در مراتب جهاد، منزلگاه آنان نزد الله تعالی متفاوت می‌باشد؛ به همین دلیل است که کاملترین مخلوق و گرامی‌ترین آنها نزد الله تعالی محمد ﷺ - پایان دهنده‌ی پیامبران و رسولان - می‌باشد؛ او مراتب جهاد را کامل نمود و آنچنان که حق جهاد نمودن در راه الله تعالی می‌باشد، جهاد نمود^(۲)، تا زمانی که شب و روز به دنبال یکدیگر می‌آیند، درود و سلام الله بر او باشد.

این چنین است که جهاد با دشمنان الله تعالی در توسط بدن قسمتی از جهاد بنده است که با تمامی ذاتش آن را برای الله تعالی انجام می‌دهد، به همین دلیل در حدیثی که فضالہ بن عبید الله ﷺ از پیامبر آورده است، آمده است: « أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِالْمُؤْمِنِ مَنْ أَمَنَهُ النَّاسُ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَالْمُسْلِمِ مَنْ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ وَبَدِهِ وَالْمُجَاهِدِ مَنْ جَاهَدَ

(۱) مسلم، کتاب الایمان، باب بیان کون النهی عن المنکر من الایمان وأن الایمان

یزید وینقص، وأن الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر واجب، برقم 49.

(۲) نگاه شود به زاد المعاد لابن القیم 10/3 و 12.

نَفْسُهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَالْمُهَاجِرِ مَنْ هَجَرَ الْخَطَايَا وَالذُّنُوبَ»^(۱) (آیا شما را از [خصوصیات] مؤمن باخبر سازم؟ کسی است که مردم در اموالشان و جانهایشان از او در امان باشند و مسلمان کسی است که مردم از زبانش و دستش در سلامت باشند و مجاهد کسی است که در اطاعت از الله با نفسش جهاد می‌کند و مهاجر کسی است که از خطاها و گناهان هجرت می‌نماید). پس جهاد با نفس باید قبل از جهاد فیزیکی با دشمن توسط بدن صورت گیرد و اصل جهاد همین می‌باشد؛ کسی که جهاد با نفسش را در انجام دادن آنچه الله تعالی به آن امر فرموده است و خودداری از چیزهایی که الله تعالی آنها را نهی کرده است، مقدم بر جهاد فیزیکی با دشمنانش توسط بدن قرار ندهد و با نفسش نجنگد، هرگز نمی‌تواند با دشمنش به طور فیزیکی جهاد نماید؛ آیا می‌تواند با دشمنش جهاد نماید و بر او پیروز گردد، در حالی که دشمنی که درون او وجود دارد، بر او غالب و چیره می‌باشد؟ نمی‌تواند بر علیه دشمنش وارد جنگ شود تا زمانی که با نفسش درباره‌ی جنگیدن با دشمن جهاد نماید.

(۱) أحمد فی المسند، 21/6، والحاكم وصححه ووافقه الذهبي، 11/1، قال الألبانی فی إسناده الإمام أحمد: "وهذا إسناد صحيح" انظر: سلسلة الأحاديث الصحيحة، 81/2، برقم 549.

همچنین باید توجه داشت که این دو [یعنی دشمن کافر و نفس] دو دشمن می‌باشند؛ در کنار آن دو، دشمن سوم نیز وجود دارد که برای بنده امکان ندارد با آن دو دشمن وارد جنگ شود، مگر آن که با آن دشمن سوم نیز جهاد نماید، آن دشمن خود را در جلوی آن دو قرار می‌دهد و انسان را از جهاد کردن به آن دو باز می‌دارد، او را از جهاد با آنان می‌ترساند و خوارش می‌گرداند. دشمن سوم در برابر جهاد با آن دو دشمن دیگر بدین شکل ممانعت به عمل می‌آورد که در انسان وسوسه ایجاد می‌کند که جهاد با آن دو باعث وارد شدن سختی‌ها و از بین رفتن لذت‌ها و شهوت‌ها می‌شود؛ برای او ممکن نمی‌باشد که با آن دو دشمن بجنگد، مگر آن که با این دشمن سوم نیز وارد جهاد شود و آن اصلی برای جهاد با آن دو می‌باشد و آن دشمن سوم همان شیطان است^(۱).

مبحث چهارم: حکمت و دلیل مشروعیت جهاد:

الله ﷻ هدف و نهایت جهاد در راه الله تعالی را این گونه بیان می‌فرماید، الله سبحانه می‌فرماید: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [الأنفال: 39] (و با آنها وارد جنگ شوید تا فتنه (شرک، که همان پرستیدن غیر الله تعالی می‌باشد است) باقی نماند و تمامی دین برای الله باشد، پس اگر [از

(۱) نگاه شود به زاد المعاد 6/3.

فتنه] خودداری نمودند، الله به آنچه انجام می دهند، بینا است). الله ﷻ می فرماید: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ [البقرة: 193] (و با آنها وارد جنگ شوید تا فتنه ای باقی نماند و دین برای الله باشد، پس اگر [از فتنه] خودداری نمودند، دشمنی وجود ندارد، مگر با ظالمان). به همین دلیل هدف و حکمت جهاد امور زیر می باشد:

اول: إعلاى كلمة الله تعالى [یعنی بالا بردن دین الله تعالى]: ابو موسی اشعری رضی الله عنه آورده است: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول الله! مردی وجود دارد که برای غنیمت می جنگد و مردی می - جنگد تا نزد مردم خود را مشهور کند و مردی می جنگد تا ریا کند، کدام یک در راه الله [جهاد نموده] است؟ فرمود: «مَنْ قَاتَلَ لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»⁽¹⁾ (کسی که برای اعلاى كلمه ی الله بجنگد، آن در راه الله است).

دوم: یاری دادن مظلومان: الله تعالى می فرماید: ﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ

(1) متفق علیه: البخاری، کتاب الجهاد، باب من قاتل لتكون كلمة الله هي العليا، برقم 2810، ومسلم، کتاب الإمارة، باب من قاتل لتكون كلمة الله هي العليا فهو في سبيل الله برقم 1904.

وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» [النساء: 75] (و شما را چه شده است که در راه الله برای [نجات] مستضعفانی از مردان و زنان و فرزندان جهاد نمی‌کنید؟ کسانی که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این سرزمین خارج کن که اهل آن ظالم هستند و برای ما از نزد خودت سرپرستی قرار بده و برای ما از نزد خودت یاری رسانی قرار بفرما!).

سوم: رد دشمنان و حفظ نمودن اسلام: الله تعالی می‌فرماید: ﴿الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعتدى عَلَيْكُمْ فَاعتدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعتدى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾ [البقرة: 194] (ماه حرام مقابل ماه حرام است و [شکستن] حرمت [مقدسات] دارای قصاص است، پس هر کسی به شما تجاوز نمود شما نیز به مانند تجاوزی که به شما نموده است به وی تجاوز کنید و از الله بترسید و تقوا پیشه کنید و بدانید که الله با پرهیزگاران است). همچنین

الله سبحانه می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ ديارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ [الحج: 40] (کسانی که از سرزمینشان به ناحق اخراج شدند و برای این بود که می‌گفتند: پروردگار ما الله است و اگر الله بعضی از مردم را توسط بعضی دیگر دفع نمی‌نمود، صومعه‌ها و کلیساهای و کنیسه‌ها و مساجدی که در آنان نام الله زیاد یاد می‌شود،

ویران می‌گشتند و الله کسی را که او را یاری نماید، مطمئناً یاری می‌نماید، الله نیرومند بسیار با عزت است).

مبحث پنجم: انواع جهاد نمودن فیزیکی با دشمنان:

جهاد با دشمنان انواعی دارد که بدین شرح می‌باشند:

1- جهاد با کافران و منافقان و مرتد شدگان^(۱).

2- جهاد با ستمگران متجاوز که می‌خواهند نظام حاکم یا حاکمان

مسلمان را تغییر دهند و برای این عمل خود دارای تأویل شیرینی می‌-

باشند و همچنین دارای قدرت و قوت هستند^(۲)، اصل درباره‌ی آنان

این سخن الله تعالی است: ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا

بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى

أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ

الْمُقْسِطِينَ * إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ

لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [الحجرات: 9، 10] (و اگر دو گروه از مؤمنان با

یکدیگر وارد جنگ شدند، بین آنها صلح برقرار کنید و اگر یکی از

آنها بر دیگری ستم نمود، با آن که ستم نموده است وارد جنگ شوید

تا آن که به امر الله بازگردد و اگر [به امر الله تعالی] بازگشت بین آن

(۱) نگاه شود به التفصیل فی ذلک زاد المعاد 100/3 و 6-11 والمغنی لابن قدامة

دو از روی عدالت صلح برقرار کنید و عادل باشید که الله عادلان را دوست می‌دارد * فقط مؤمنان برادر [دینی] یکدیگر هستند، پس بین برادرنتان صلح برقرار نمایید و از الله بترسید و تقوا پیشه کنید، باشد که مورد مرحمت قرار بگیرید). عرفجة رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّهُ سَتَكُونُ هَنَاتٌ وَهَنَاتٌ فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَفْرُقَ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَهِيَ جَمِيعٌ فَاضْرِبُوهُ بِالسَّيْفِ كَأَنَّ مَنْ كَانَتْ» (فتنه‌ها و امور جدید به وجود خواهد آمد، پس کسی که خواست تا در امور این امت فرقه-گری ایجاد کند و آنها یک جمع بودند، پس او را با شمشیر بزنید، هر کسی که می‌خواهد باشد). و در لفظی دیگر: «مَنْ أَتَاكُمْ وَأَمْرُكُمْ جَمِيعٌ عَلَى رَجُلٍ وَاحِدٍ يُرِيدُ أَنْ يَشُقَّ عَصَاكُمْ أَوْ يَفْرُقَ جَمَاعَتَكُمْ فَاقْتُلُوهُ»^(۱) (اگر کسی نزد شما آمد و امر تمامی شما بر مردی واحد بود و او خواست تا بین شما اختلاف ایجاد کند و جماعت شما را فرقه فرقه نماید، پس او را بکشید).

3- دفاع از دین، جان، اهل و مال. جنگیدن با راهزنان از این نوع جهاد است^(۲). سعید بن زید رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

(۱) مسلم، کتاب الإمارة، باب حکم من فرق أمر المسلمین وهو مجتمع، برقم

(۲) نگاه شود به المغنی لابن قدامة 474/12، و مجموع فتاوی شیخ الإسلام ابن

«مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ وَمَنْ قُتِلَ دُونَ أَهْلِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ وَمَنْ قُتِلَ دُونَ دِينِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ وَمَنْ قُتِلَ دُونَ دَمِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ»^(۱) (کسی که برای دفاع از مالش کشته شود، او شهید است و کسی که برای دفاع از اهلش کشته شود، او شهید است و کسی که برای دینش کشته شود، او شهید است و کسی که برای خونس کشته شود، او شهید است). همچنین عبد الله بن عمر رضی الله عنهما به خالد بن عاص گفت: آیا می‌دانی رسول الله ﷺ فرموده است: «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ»^(۲) (کسی که برای دفاع از مالش کشته شود، او شهید است).

مخارق رضی الله عنه گفته است: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: اگر مردی نزد من آمد و مال مرا می‌خواست، چه کار کنم؟ فرمود: «ذَكَرَهُ اللَّهُ» (او را با یاد الله پند بده!)، گفت: اگر پند نپذیرفت؟ فرمود: «فَاسْتَعِنَ»

(۱) أبو داود، کتاب السنّة، باب فی قتال اللصوص، برقم 4772، والنسائی، کتاب المحاربة، باب من قاتل دون أهله برقم 4099، 4100، واللفظ له، وأخرجه الترمذی مختصراً، کتاب الديات، باب ما جاء فيمن قتل دون ماله فهو شهيد، برقم 1418، وابن ماجه مختصراً، کتاب الحدود، باب من قتل دون ماله فهو شهيد، برقم 2580، وأحمد بلفظ [ترتيب] أحمد شاکر، 118/3 برقم 1651 و 1653، وقال الترمذی: حسن صحيح، و صحیح إسناده أحمد شاکر فی الموضوع السابق، و صححه الألبانی فی صحیح النسائی، 858/3.

(۲) مسلم، کتاب الإیمان، باب الدلیل علی أن من قصد أخذ مال غیره بغير حق کان القاصد مهتر الدم فی حقه برقم 141.

عَلَيْهِ مِنْ حَوْلِكَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (از مسلمانانی که در اطرافت هستند بر علیه او یاری طلب کن!)، گفت: اگر شخصی از مسلمانان در اطراف من نبود؟ فرمود: «فَاسْتَعِنْ عَلَيْهِ بِالسُّلْطَانِ» (پس بر علیه او از سلطان طلب یاری کن!)، گفت: اگر سلطان از من دور بود [و حمله‌ی دزد نزدیک بود]؟ فرمود: «قَاتِلْ دُونَ مَالِكَ حَتَّى تَكُونَ فِي شُهَدَاءِ الْآخِرَةِ أَوْ تَمْنَعَ ذَلِكَ» (برای مالت جنگ کن! تا از شهیدان آخرت قرار گیری یا آن که او را از آن (مالت) منع کنی!)^(۱).

ابوهریره رضی الله عنه گفته است: مردی نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول الله! اگر مردی خواست تا مال مرا بگیرد، چه کار کنم، فرمود: «فَلَا تُعْطِهِ مَالِكَ» (مالت را به او نده!)، گفت: اگر خواست با من وارد جنگ شود؟ فرمود: «قَاتِلْهُ» (با او وارد جنگ شو!) گفت: اگر مرا کشت، چطور؟ فرمود: «فَأَنْتَ شَهِيدٌ» (پس تو شهید خواهی بود) گفت:

(۱) النسائی، کتاب المحاربة، باب ما یفعل من تعرض لماله، برقم 4086، وأحمد فی المسند، وما بین المعکوفین له، 294/5، 295، وصححه الألبانی فی صحیح سنن النسائی 856/3.

اگر او را کشتیم، چطور؟ فرمود: «هُوَ فِي النَّارِ» (او در آتش جهنم خواهد بود)^(۱) ۲.

(1) مسلم، کتاب الإیمان، باب الدلیل علی أن من قصد أخذ مال غیره بغير حق کان القاصد مهدر الدم فی حقه، وإن قتل کان فی النار، وأن من قتل فهو شهید، برقم 140.

2 - جا دارد که هنگام روبرو شدن با دزد اخلاص وجود داشته باشد و فقط برای الله تعالی انسان با او درگیر شود و برای این نباشد که مردم بگویند: او شجاع است و یا مانند این نیت‌ها، تا این که خون انسان حرام نشود و برای الله تعالی ریخته شود. (مترجم)

مبحث ششم: فضیلت جهاد در راه الله تعالی:

درباره‌ی فضیلت‌های جهاد نصوص بسیاری وجود دارد و درباره‌ی ثواب زیاد آن مطالب بسیاری موجود است، و فقط به عنوان مثال چند عددی از آنها در اینجا آورده شده است و این تمامی آنها نمی‌باشد:

1- جهاد در راه الله تعالی، تجارتی پُر سود است:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: 111] (الله از مؤمنان جانهایشان و مالهایشان را می‌خرد تا در ازای آن برای آنان بهشت باشد، در راه الله می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند، وعده‌ای حقیقی که در تورات و انجیل و قرآن وجود دارد و چه کسی به عهدش از الله وفادارتر است؟ پس به علت تجارتی که انجام داده‌اید، شاد باشید! و این کامیابی بزرگی است). الله تعالی صفاتی زیبا و اعمالی پُر جلال را برای این قهرمانان بیان می‌دارد، همان کسانی که الله تعالی به آنها چنین وعده‌ی بشارتی را داده است. همچنین الله تعالی می‌فرماید: ﴿التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ^(۱) الرَّكَعُونَ

(1) فسرت السیاحة هنا بالصیام. ابن کثیر 393/2 ولها معان آخری، نگاه شود به

السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿التوبة: 112﴾ [توبه کنندگان، عبادت کنندگان، شکرگزاران، روزه‌گیرندگان، رکوع کنندگان، سجده کنندگان، امر کنندگان به نیکی و نهی کنندگان از بدی و حفظ کنندگان حد و حدود الله و مؤمنان را بشارت بده]. همچنین درباره‌ی تجارت پُر سود مجاهدان می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ * تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * يَغْفِر لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ * وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الصف: 10-13] [ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذابی دردناک نجات می‌دهد؟ * به الله و فرستاده‌اش ایمان بیاورید و در راه الله با مالهایتان و جانهایتان جهاد کنید! این برای شما بهتر است اگر بدانید * گناهان شما را می‌آمرزد و شما را وارد باغهایی می‌نماید که از زیر آنها نهرها جاری است و جایگاههای پاکی در بهشتهای جاودان [برای شما خواهد بود که] این کامیابی بزرگی است * و دیگر چیزی که دوست می‌دارید، یاری و پیروزیی از طرف الله و فتحی نزدیک [برای شما خواهد بود] و به مؤمنان بشارت بده). الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ [النساء: 74]
 (پس کسانی که دنیا را به آخرت می فروشند، در راه الله جنگ کنند و کسی که در راه الله جنگ نماید و کشته شود و یا غلبه نماید، به او اجر بزرگی خواهیم داد).

2- فضیلت نگهبانی در راه الله تعالی:

مرزهایی که ممکن است دشمن از آنها وارد سرزمین مسلمانان گردد، باید به شدت نگهبانی شود، تا دشمن از آن بهره برداری ننماید و از آنها به داخل سرزمین مسلمانان راه نیابد. به همین دلیل است که الله تعالی برای کسانی که در راه وی نگهبانی می کنند، اجر بزرگی قرار داده است، سلمان رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «رِبَاطُ يَوْمٍ وَلَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَقِيَامِهِ وَإِنْ مَاتَ جَرَى عَلَيْهِ عَمَلُهُ الَّذِي كَانَ يَعْمَلُهُ وَأَجْرِي عَلَيْهِ رِزْقُهُ وَأَمِنَ الْفِتَانَ»^(۱) (نگهبانی در روز و شبی بهتر از روزه گرفتن و نماز خواندن یک ماه می باشد و اگر [نگهبان]

(۱) الْفِتَانُ: جمع فتن، أى يُؤْمَنُ مِنْ كُلِّ ذِي فِتْنَةٍ، ورواه الطبرانی بفتح الفاء، یعنی به: فِتَانِ الْقَبْرِ، ورواه أبو داد مفسراً بالإضافة إلى القبر "وأمن من فتنان القبر" شرح النووی علی صحیح مسلم، 65/13، والمفهم لما أشكل من تلخیص کتاب مسلم، 756/3.

(2) مسلم، کتاب الإمارة، باب فضل الرباط فی سبیل الله عز وجل، برقم 1913.

بمیرد، عمل او ادامه می‌یابد [و ثواب انجام آن را تا روز قیامت می‌برد] و رزق او به او اجر داده می‌شود و از فتنه‌ی قبر در امان می‌ماند).

3- فضیلت حراست در راه الله تعالی:

ابو ریحانه رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «حُرِّمَتْ النَّارُ عَلَى عَيْنٍ دَمَعَتْ أَوْ بَكَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَحُرِّمَتْ النَّارُ عَلَى عَيْنٍ سَهَرَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^(۱) (آتش جهنم بر چشمی که از ترس الله اشک بریزد یا گریه کند حرام شده است و آتش جهنم بر چشمی که شب تا صبح در راه الله بیدار بماند [و نگهبانی کند] حرام شده است). ابن عباس رضی الله عنهما آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «عَيْنَانِ لَا تَمَسُّهُمَا النَّارُ عَيْنٌ بَكَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَعَيْنٌ بَاتَتْ تَحْرُسُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^(۲) (دو چشم هستند که آتش جهنم به آنها نمی‌رسد: چشمی که از ترس الله گریه کند و چشمی که در حراست در راه الله شب را [بیدار] بماند).

4- فضیلت پیمودن مسیری در راه الله تعالی، در صبح یا شبی:

(۱) أحمد 134/4، بلفظه، والنسائی، کتاب الجهاد، باب ثواب عین سهرت فی سبیل الله، برقم 3119، ولفظه: "حرمت علی النار عین سهرت فی سبیل الله"، وصححه الألبانی فی صحیح سنن النسائی 653/2.

(۲) الترمذی، کتاب الجهاد، باب ما جاء فی فضل الحرس فی سبیل الله، برقم 1639، وحسنه، وصححه الألبانی فی صحیح سنن الترمذی 127/2.

سهل بن سعد رضي الله عنه آورده است که پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمود: «رَبَّاطُ يَوْمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا، وَمَوْضِعُ سَوْطٍ أَحَدِكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا، وَالرَّوْحَةُ^(۱) يَرْوِحُهَا الْعَبْدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ الْغَدْوَةُ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا»^(۲) (نگهبانی در روزی بهتر از دنیا و آنچه بر آن است می باشد و محل شلاق یکی از شما در بهشت، بهتر از دنیا و آنچه بر آن است می باشد و پیمودن مسیری در راه الله در شب یا صبحی برای بنده بهتر از دنیا و آنچه بر آن است می باشد)^(۳).

5- فضیلت کسی که پاهای او در راه الله تعالی غبار آلود شود:

عبد الرحمن بن جبر رضي الله عنه آورده است که رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «مَا اغْبَرَّتْ قَدَمَا عَبْدٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَمَسَّهُ النَّارُ»^(۴) (کسی که پاهای او در

(۱) الغدوة: مأخوذ من الغدو: وهو سير أول النهار، والروحة، روح العشي، وهو من زوال الشمس إلى الليل، النهاية في غريب الحديث، باب الغين مع الدال 3/346، وباب الراء مع الواو 2/273، وتفسير غريب ما في الصحيحين للحميدى ص 346.

(۲) متفق عليه: البخاری، کتاب الجهاد، باب الغدوة والروحة في سبيل الله، برقم 2794، ولفظه من الطرف رقم 2892، وأخرجه مسلم، كتاب الإمارة، باب فضل الغدوة والروحة في سبيل الله برقم 1881.

(۳) متفق عليه: البخاری، کتاب الجهاد، باب الغدوة والروحة في سبيل الله، برقم 2792، ومسلم، كتاب الإمارة، باب فضل الغدوة والروحة في سبيل الله برقم 1880.

(۴) البخاری، کتاب الجهاد، باب من اغبرت قدماه في سبيل الله، برقم 2811.

[مسیر جهاد در] راه الله غبار آلود شود، آتش جهنم به او نمی‌رسد». همچنین ابوهریره رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا يَلِجُ النَّارَ رَجُلٌ بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ تَعَالَى حَتَّى يَعُودَ اللَّبَنُ فِي الضَّرْعِ وَلَا يَجْتَمِعُ غُبَارٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَدُخَانُ نَارِ جَهَنَّمَ»^(۱) (مردی که از ترس الله تعالی گریه کند، داخل آتش جهنم نمی‌شود، مگر آن که شیر به شیردان برگردد و غبار در راه الله [بر روی پا] با دود آتش جهنم، یکجا جمع نمی‌شوند).

6- بهشت زیر سایه‌ی شمشیرهاست:

عبد الله بن اُوفی رضی الله عنهما آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَتَمَنَّوْا لِقَاءَ الْعَدُوِّ وَسَلُّوْا لِلَّهِ الْعَافِيَةَ فَإِذَا لَقَيْتُمُوهُمْ فَاصْبِرُوا وَاعْلَمُوا أَنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ ظِلَالِ السُّيُوفِ»^(۲) (ای مردم! آرزوی دیدار دشمن را نداشته باشید و از الله طلب عافیت نمایید و وقتی آنها را ملاقات کردید، صبور باشید و بدانید که بهشت زیرا سایه‌ی شمشیرهاست).

^(۱) الترمذی، کتاب الجهاد، باب ما جاء فی فضل الغبار فی سبیل الله، برقم 1633.

وقال: "حسن صحيح" وصححه الألبانی فی صحيح سنن النسائی 126/2.

^(۲) متفق عليه: البخاری، کتاب الجهاد، باب الجنة تحت بارقة السيوف، برقم

2818، ومسلم، کتاب الجهاد والسير، باب كراهية تمنى لقاء العدو، والأمر بالصبر

عند اللقاء، برقم 1742.

7- جهاد چیزی است که معادل آن وجود ندارد:

ابوهریره رضی الله عنه گفته است: مردی نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و گفت: مرا به عملی راهنمایی کن که معادل جهاد باشد؟! فرمود: «لَا أُجِدُّهُ» (چنین چیزی نمی‌یابم) فرمود: «هَلْ تَسْتَطِيعُ إِذَا خَرَجَ الْمُجَاهِدُ أَنْ تَدْخُلَ مَسْجِدَكَ فَتَقُومَ وَلَا تَفْتَرُ وَتَصُومَ وَلَا تُفْطِرَ» (آیا می‌توانی وقتی مجاهد بیرون می‌رود، وارد مسجدت شوی و در آن نماز بخوانی و سستی نکنی و روزه بگیری و افطار نکنی [تا مجاهد برگردد]؟)، گفت: چه کسی توانایی آن را دارد؟^(۱).

8 - درجات مجاهدان در راه الله تعالی:

ابوهریره رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَائَةَ دَرَجَةٍ أَعَدَّهَا اللَّهُ لِلْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَا بَيْنَ الدَّرَجَتَيْنِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ فَإِذَا سَأَلْتُمُ اللَّهَ فَاسْأَلُوهُ الْفَرْدَوْسَ فَإِنَّهُ أَوْسَطُ الْجَنَّةِ وَأَعْلَى الْجَنَّةِ فَوْقَهُ عَرْشُ الرَّحْمَنِ وَمِنْهُ تَفَجَّرُ أَنْهَارُ الْجَنَّةِ»^(۲) (بهشت دارای صد درجه است که الله آن را برای مجاهدان در راهش مهیا ساخته است، فاصله‌ی بین دو درجه مثل فاصله‌ی آسمان تا زمین

(۱) متفق علیه: البخاری، کتاب الجهاد والسير، باب فضل الجهاد والسير، برقم

2785، ومسلم، کتاب الإمارة، باب فضل الشهادة فی سبیل الله تعالی، برقم 1878.

(۲) البخاری، کتاب الجهاد والسير، باب درجات المجاهدين فی سبیل الله، برقم

است، پس اگر از الله چیزی طلب نمودید، فردوس را طلب نمایید، زیرا آن وسط بهشت است و بالاترین درجه‌ی بهشت است، بالای آن عرش [الله] رحمان وجود دارد و از آن نهرهای بهشت می‌جوشد).

9- مهمان شدن شهیدان، نزد پروردگارشان:

مقدم بن معدیکرب آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «لِلشَّهِيدِ عِنْدَ اللَّهِ سِتُّ خِصَالٍ يَغْفَرُ لَهُ فِي أَوَّلِ دَفْعَةٍ مِنْ دَمِهِ وَيُرَى مَقْعَدَهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَيَجَارُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَيَأْمَنُ مِنَ الْفِرْعِ الْأَكْبَرِ وَيَحْلَى حُلَّةَ الْإِيمَانِ وَيُزَوِّجُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ وَيُشَفِّعُ فِي سَبْعِينَ إِنْسَانًا مِنْ أَقَارِبِهِ»⁽¹⁾ (برای

شهید نزد الله شش خصلت وجود دارد: از اولی که خون او خارج می‌شود، آمرزیده می‌شود و محل نشستنش در بهشت به او نشان داده می‌شود و از عذاب قبر نجات می‌یابد و از فرع اکبر ایمن می‌شود و لباس ایمان بر وی پوشانده می‌شود و حور العین به ازدواج او در می‌آید و هفتاد انسان از نزدیکانش را شفاعت می‌کند). همچنین در حدیث انس رضی الله عنه آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در توصیف حور العین فرمود:

«وَلَوْ أَنَّ امْرَأَةً مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَطَّلَعَتْ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لَأَضَاءَتْ مَا بَيْنَهُمَا

(1) ابن ماجه، كتاب الجهاد، باب فضل الشهادة في سبيل الله برقم 2799،

والترمذی، كتاب الجهاد، باب ثواب الشهيد، برقم 1663، وقال: "حسن صحيح"

وأخرجه أحمد 131/4، 200/4، وصححه الألبانی فی صحيح سنن ابن ماجه

129/2، وفي مشكل المصاييح، برقم 2834.

وَلَمَلَأَتْهُ رِيحًا وَلَتَصِيفُهَا عَلَى رَأْسِهَا خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا»^(۱) (اگر زنی از اهل بهشت بر روی زمین بیاید، بین آن دو را سراسر نور می‌گرداند و بوی [عطر] وی همه جا را می‌پوشاند و روسری که بر سرش دارد، بهتر از دنیا و آنچه در آن است می‌باشد).

10- خون شهید در روز قیامت:

ابوهریره رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «وَأَلَذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يُكَلِّمُ أَحَدًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَنْ يُكَلِّمُ فِي سَبِيلِهِ إِلَّا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللُّونُ لَوْنُ الدَّمِ وَالرَّيْحُ رِيحُ الْمِسْكِ»^(۲) (قسم به کسی که جان من در دست اوست! اگر کسی از شما در راه الله زخمی شود - الله به کسی که در راهش زخمی شود، آگاه‌تر است - [اتفاقی نمی‌افتد] مگر آن که روز قیامت در حالی می‌آید که رنگ آن رنگ خون است و بوی آن بوی عطر).

11- شهید آرزو می‌نماید که ده بار [در راه الله تعالی] کشته شود:

(1) متفق علیه: البخاری واللفظ له، کتاب الجهاد، باب الغدوة والروحة فی سبیل الله برقم 2792، ولفظه من الطرف رقم 2796، وأخرجه مسلم، کتاب الإمارة، باب فضل الغدوة والروحة فی سبیل الله برقم 1880.

(2) متفق علیه: البخاری، کتاب الجهاد، باب من یجرح ی سبیل الله عز وجل، برقم 2803، ومسلم، کتاب الإمارة، باب فضل الجهاد والخروج فی سبیل الله، برقم

انس رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَا مِنْ عَبْدٍ يَمُوتُ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ يَسْرُهُ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى الدُّنْيَا وَأَنَّ لَهُ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا إِلَّا الشَّهِيدَ لِمَا يَرَى مِنْ فَضْلِ الشَّهَادَةِ» (بنده‌ای نیست که بمیرد و آنچه از خیر نزد الله برای او وجود دارد را ببیند و در عین حال دوست داشته باشد که به دنیا برگردد حتی اگر آنچه در دنیا و تمامی آنچه در آن است برای او باشد، مگر شهید، زیرا فضیلت شهید شدن را می‌بیند [و دوست دارد تا به دنیا برگردد و دوباره شهید شود]). در لفظی دیگر آمده است: «مَا أَحَدٌ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ يُحِبُّ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى الدُّنْيَا وَلَهُ مَا عَلَى الْأَرْضِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا الشَّهِيدُ يَتَمَنَّى أَنْ يَرْجِعَ إِلَى الدُّنْيَا فَيُقْتَلَ عَشْرَ مَرَّاتٍ لِمَا يَرَى مِنَ الْكِرَامَةِ»^(۱) (کسی نیست که داخل بهشت شود و دوست داشته باشد تا به دنیا برگردد و در عین حال برای او تمامی آنچه بر روی زمین است باشد، مگر شهید که آرزو می‌نماید تا به دنیا برگردد و ده بار کشته شود، این از برای آن است که گرامی داشتن [شهید] در بهشت را می‌بیند).

12- روحهای شهیدان در بهشت، گشت و گذار می‌کنند:

(۱) متفق علیه: البخاری، کتاب الجهاد، باب الحور العين و صفتهن، برقم 2795،

والظرف رقم 2817، ومسلم، کتاب الإمارة، باب فضل الشهادة فی سبیل الله برقم

از عبد الله بن مسعود رضی اللہ عنہ درباره‌ی این آیه سوال شد: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ﴾ [آل عمران: 169] (و هرگز مپندار که کسانی که در راه الله کشته شده‌اند، مرده می‌باشند، بلکه زنده هستند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند). گفت: ما درباره‌ی آن سوال نمودیم و پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «أَرْوَاحُهُمْ فِي جَوْفِ طَيْرٍ خَضِرٍ لَهَا قَنَادِيلٌ مُعَلَّقَةٌ بِالْعَرْشِ تَسْرَحُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ شَاءَتْ ثُمَّ تَأْوِي إِلَى تِلْكَ الْقَنَادِيلِ فَاطَّلَعَ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ إِطْلَاعَةً فَقَالَ هَلْ تَشْتَهُونَ شَيْئًا قَالُوا أَى شَيْءٍ نَشْتَهُى وَنَحْنُ نَسْرَحُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ شِئْنَا»^(۱) (روحهای آنها در درون پرنده‌ی سبزی قرار می‌گیرد که برای آن پرنده چراغهایی وجود دارد که از عرش آویزان هستند، در هر جای بهشت که بخواهند، گشت و گذار می‌کنند، سپس در آن چراغها مسکن می‌گزینند. پروردگارشان به آنها نیکی می‌کند و می‌فرماید: آیا اشتهای چیزی را دارید؟ می‌گویند: به چه چیز اشتها داشته باشیم در حالی که ما در بهشت در هر کجای آن که بخواهیم، گشت و گذار می‌کنیم).

13- شهید درد مردن را نمی‌چشد:

(۱) مسلم، کتاب الإمامة، باب بیان آن ارواح الشهداء فی الجنة، وأنهم أحياء عند

ابوهریره رضی اللہ عنہ آورده است که رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «الشَّهِيدُ لَأَ يَجِدُ مَسَّ الْقَتْلِ إِلَّا كَمَا يَجِدُ أَحَدُكُمْ الْقِرْصَةَ يُقْرِصُهَا»^(۱) (شهید درد کشته شدن را نمی‌چشد، مگر به اندازه‌ی آن که از یکی از شما نیشگونی گرفته شود).

14- فضیلت انفاق کردن در راه [جهاد در راه] الله تعالی:

الله تعالی می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِئَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» [البقره: 261] (مثال کسانی که مالهایشان را در راه الله انفاق می‌کنند، به مانند دانه‌ای [است که کاشته می‌شود] و هفت خوشه از آن می‌روید و در هر خوشه‌ای صد دانه وجود دارد و الله برای هر کس بخواهد [آن را] چندین برابر می‌کند و الله گشایشگر بسیار دانا است). خزیم بن فاتک رضی اللہ عنہ آورده است که رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «مَنْ أَنْفَقَ نَفَقَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ كُتِبَتْ لَهُ بِسَبْعِ مِائَةِ ضِعْفٍ»^(۲)

(۱) النسائی، کتاب الجهاد، باب ما یجد الشہید من ألم القتل، برقم 3163، وابن ماجه، کتاب الجهاد، باب فضل الشہادۃ فی سبیل اللہ، برقم 2802، وقال الألبانی فی صحیح سنن النسائی 665/2. وفی صحیح سنن ابن ماجه، 130/2: "حسن صحیح".

(۲) سنن الترمذی، کتاب فضائل الجهاد، باب ما جاء فی فضل النفقۃ فی سبیل اللہ، برقم 1625، وصححه الألبانی فی صحیح سنن الترمذی 124/2.

(کسی که در راه الله انفاق کند برای او هفتصد برابر آن نوشته می‌شود). همچنین ابو مسعود انصاری رضی الله عنه گفته است: مردی با شتری لگام دار آمد و گفت: این در راه الله، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لَكَ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَبْعِمِائَةَ نَاقَةٍ كُلُّهَا مَخْطُومَةٌ»^(۱) (برای تو در روز قیامت هفتصد شتر خواهد بود که تمامی آنها لگام دارند).

15- شهیدان زنده هستند و نزد پروردگارشان روزی داده می-

شوند:

الله تعالی می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ * فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ» [آل عمران: 169-171] (و هرگز مپندار که کسانی که در راه الله کشته شده‌اند، مرده‌اند، بلکه زنده هستند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند * از برای آنچه الله از فضلش به آنها داده است، شاد می‌باشند و به کسانی که به آنها ملحق نشده‌اند و در پس آنها قرار دارند، بشارت می‌دهند که ترسی بر آنها نخواهد بود و آنان غمگین

(۱) مسلم، کتاب الإمارة، باب فضل الصدقة فی سبیل الله تضعفها، برقم 1892

[مخطومه: آی فیها خطام وهو قریب من الزمام.

نمی‌شوند * به نعمتی از طرف الله و بخششی بشارت می‌دهند و الله اجر مؤمنان را ضایع نمی‌گرداند).

16- جهاد دربی از دربهای بهشت است:

عباده بن صامت رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنَّ الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ يُنَجِّي اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهِ مِنْ أَلْهَمٍ وَالْغَمِّ»^(۱) (در راه الله جهاد کنید، زیرا جهاد در راه الله تبارک و تعالی دربی از دربهای بهشت می‌باشد، الله تبارک و تعالی توسط آن از ناراحتی و غم نجات می‌دهد).

17- امری که مسلمان را به منزلت شهداء می‌رساند:

این خیر عظیم به کسی می‌رسد که از الله تعالی شهادت را صادقانه طلب کند، سهل بن حنیف رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الشَّهَادَةَ بِصِدْقٍ بَلَغَهُ اللَّهُ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَإِنْ مَاتَ عَلَيَّ فَرَأَشَهُ»^(۲) (کسی که صادقانه از الله طلب شهادت نماید، الله او را به

(۱) أحمد 314/5, 316, 319, 326, 330, والحاكم وصححه ووافقه الذهبي
(۲) 75/2، وأورده الهیثمی فی مجمع الزوائد 272/5، وقال: رواه أحمد والطبرانی فی
الکبیر والأوسط، وأحد أسانید أحمد وغيره ثقات. وحسن إسناده شعيب وعبد
القادر الأرئووط فی حاشيتهما علی زاد المعاد لابن القيم، 77/3.

(2) مسلم، کتاب الإمارة، باب استحباب طلب الشهادة فی سبیل الله تعالی برقم

منزلت شهیدان می‌رساند، حتی اگر در رختخواب بمیرد). همچنین انس رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ طَلَبَ الشَّهَادَةَ صَادِقًا أُعْطِيَهَا وَلَوْ لَمْ تُصِبْهُ»^(۱) (کسی که صادقانه طلب شهادت نماید، منزلت آن] به او عطا می‌شود، حتی اگر [شهادت] به او نرسد).

18- فضیلت مجاهدان بر خانه‌نشینان:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا * دَرَجَاتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾ [النساء: 95، 96] (از مؤمنان کسانی که عذری [برای جهاد نکردن] ندارند و مجاهدانی که با مالها و جانهایشان در راه الله [جهاد می‌کنند] یکسان نیستند، الله مجاهدان با مالهایشان و جانهایشان را بر نشستگان با درجاتی برتری داده است و [لی] به همه‌ی [مؤمنان] وعده‌ی نیکو داده است و الله مجاهدان را بر نشستگان به اجر بزرگی برتری داده است * درجاتی از طرف وی و آمرزش و رحمت [برای آنها خواهد بود] و الله بسیار آمرزنده‌ی دائماً رحمت‌کننده است).

(۱) مسلم، کتاب الإمامة، باب استحباب طلب الشهادة في سبيل الله تعالى، برقم

19- برای شهیدان رحمت و آمرزش خواهد بود:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾ * وَلَئِنْ مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ ﴿﴾ [آل عمران: 157، 158] (و اگر در راه الله کشته شدید و یا مُردید، آمرزش و رحمتی از الله برای شما خواهد بود [و آن] بهتر از تمامی چیزی است که [از مال دنیا] جمع نموده‌اید * و اگر بمیرید یا کشته شوید به سوی الله محشور می‌شوید).

20- کشته شدن در راه الله تعالی تمامی بدی‌ها را پاک می‌کند،

مگر زیر دین بودن کسی (حق الناس):

عبد الله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «يُغْفَرُ لِلشَّهِيدِ كُلِّ ذَنْبٍ إِلَّا الدِّينَ»^(۱) (تمامی گناهان شهید بخشیده می‌شود، مگر دین (حق الناس)).

ابوقتاده رضی الله عنه آورده است که رسول الله ﷺ در بین آنها ایستاده بود و آنان را پند می‌داد [و می‌فرمود]: «أَنَّ الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْإِيمَانَ بِاللَّهِ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ» (جهاد در راه الله و ایمان به الله از بهترین اعمال است)، مردی ایستاد و گفت: ای رسول الله! آیا این گونه می‌بینی که اگر در راه الله کشته شوم، خطاهای من پاک شود؟ رسول الله ﷺ به او

(۱) مسلم، کتاب الإمارة، باب من قتل في سبيل الله كفرت خطاياه إلا الدين، برقم

فرمود: «نَعَمْ إِنْ قُتِلَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَنْتَ صَابِرٌ مُحْتَسِبٌ مُقْبِلٌ غَيْرٌ مُدْبِرٌ» (بله، اگر در راه الله کشته شوی در حالی که تو روی کننده [به دشمن] باشی و [به آن دشمن] پشت نمایی و صبور بوده و در پی طلب ثواب باشی) سپس رسول الله ﷺ فرمود: «كَيْفَ قُلْتَ» (چه شد که آن را گفتی؟) او گفت: آیا می بینی که اگر در راه الله کشته شوم، خطاهای من پاک شود؟ رسول الله ﷺ فرمود: «نَعَمْ وَأَنْتَ صَابِرٌ مُحْتَسِبٌ مُقْبِلٌ غَيْرٌ مُدْبِرٌ إِلَّا الدِّينَ فَإِنَّ جِبْرِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِي ذَلِكَ» (بله و این به شرط آن است که تو صبور باشی و در پی ثواب بوده و روی کننده [به دشمن] باشی و [به آن دشمن] پشت نمایی [و این گونه عمل نمودن، تمامی گناهان و بدی ها را پاک می گرداند،] مگر دین (حق الناس) زیرا جبرئیل عليه السلام به من این گونه گفت)^(۱).

21- کسی که با جان و مالش جهاد می کند، بهترین مردم است:

ابوسعید خدری رضی الله عنه گفته است: گفته شد ای رسول الله ﷺ برترین مرد کیست؟ فرمود: «مُؤْمِنٌ يُجَاهِدُ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (مؤمنی که با جان و مالش در راه الله جهاد کند)، گفت: سپس چه کسی؟ فرمود: «ثُمَّ رَجُلٌ مُعْتَزِلٌ فِي شِعْبٍ مِنَ الشَّعَابِ يَعْبُدُ رَبَّهُ وَيَدْعُ النَّاسَ مِنْ شُرَّهٍ» (سپس مردی که گوشه نشینی می کند و در دره ای از دره-

(۱) مسلم، کتاب الإمامة، باب من قتل في سبيل الله كفرت خطاياهم إلا الدين، برقم

های الله، پروردگارش را عبادت می‌کند و مردم از شر او در امان می‌مانند^(۱).

22- کسی که از خانه‌اش به نیت جهاد بیرون بیاید و بمیرد، اجر او

بر الله تعالی است:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُّهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [النساء:

100] (و کسی که در راه الله هجرت نماید، بر روی زمین اقامتگاههای

بسیار و گشایشی [در امور دین و دنیا] می‌یابد و کسی که از خانه‌اش

به نیت هجرت به سوی الله و فرستاده‌اش بیرون بیاید، سپس مرگ او

فرا برسد، دادن اجر او بر الله است و الله بسیار آمرزنده‌ی دائماً رحمت

کننده است). ابوهریره رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «أَتَدَبَّ اللَّهُ

لِمَنْ خَرَجَ فِي سَبِيلِهِ لَا يُخْرِجُهُ إِلَّا إِيمَانًا بِي وَتَصَدِيقًا بِرُسُلِي أَنْ أَرْجِعَهُ

بِمَا نَالَ مِنْ أَجْرٍ أَوْ غَنِيمَةٍ، أَوْ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ. وَلَوْلَا أَنْ أَشَقَّ عَلَيَّ أُمَّتِي مَا

قَعَدْتُ خَلْفَ سَرِيَّةٍ، وَلَوْ دِدْتُ أَنِّي أَقْتُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، ثُمَّ أَحْيَا، ثُمَّ أَقْتُلُ،

ثُمَّ أَحْيَا، ثُمَّ أَقْتُلُ» (کسی که به [نیت جهاد] در راه الله [از خانه‌اش]

(1) متفق علیه: البخاری، کتاب الجهاد، باب أفضل الناس مؤمن يجاهد بنفسه وماله

فی سبیل الله، برقم 2786، و مسلم، کتاب الإمامة، باب فضل الجهاد والرباط، برقم

بیرون برود و دلیلی برای بیرون رفتن [او] بجز ایمان به الله و تصدیق پیامبرانش وجود نداشته باشد، الله به سرعت ثواب او را می‌دهد، اگر [زنده] باز گردد، برای او اجر یا غنیمت خواهد بود یا [اگر بمیرد] او را داخل بهشت می‌گرداند. اگر بر اتمم سخت نمی‌شد، دائماً جهاد می‌نمودم؛ زیرا دوست دارم که در راه الله کشته شوم، سپس زنده شوم، سپس کشته شوم، سپس زنده شوم، سپس کشته شوم، با لفظی دیگر این گونه آمده است: «وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ لِلْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِهِ بَأَنْ يُتَوَفَّاهُ أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ أَوْ يَرْجِعَهُ سَالِمًا مَعَ أَجْرٍ أَوْ غَنِيمَةٍ» (الله برای مجاهد در راهش تعهد فرموده است که اگر او را بمیراند، او را وارد بهشت کند و یا [او را زنده نگه دارد و] او را سالم بر گرداند در حالی که همراه او اجر و غنیمت وجود دارد). در لفظی دیگر آمده است: «تَكْفَلُ اللَّهُ لِمَنْ جَاهَدَ فِي سَبِيلِهِ لَأُخْرِجَهُ مِنْ بَيْتِهِ إِلَّا الْجِهَادُ فِي سَبِيلِهِ وَتَصَدِيقُ كَلِمَتِهِ أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ أَوْ يَرُدَّهُ إِلَى مَسْكَنِهِ بِمَا نَالَ مِنْ أَجْرٍ أَوْ غَنِيمَةٍ»^(۱) (الله برای کسی که در راهش جهاد کند و از خانه‌اش خارج نشود مگر برای جهاد در راهش و تصدیق سخنش، تعهد فرموده است که او را

(۱) متفق علیه: البخاری واللفظ له، کتاب الإیمان، باب الجهاد من الإیمان، برقم

36، وما بین المعکوفین من الطرف رقم 2787، ورقم 3123، ورقم 7457، ورقم

7463، ومسلم، کتاب الإمارة، باب فضل الجهاد والخروج فی سبیل الله، برقم

[در صورت مردن] داخل بهشت کند یا [اگر او را زنده نگه داشت] او را به خانه‌اش برگرداند در حالی که برای او اجر و غنیمتی وجود خواهد داشت). اعمال درست وابسته به نیت آنها می‌باشد، امام احمد رحمه الله در مسندش روایت کرده است: «مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ مُجَاهِدًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَخَرَّ عَنْ دَابَّتِهِ فَمَاتَ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَوْ لَدَعَتْهُ دَابَّةٌ فَمَاتَ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ أَوْ مَاتَ حَتْفَ أَنْفِهِ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^(۱) (اگر کسی از خانه‌اش مجاهدانه در راه الله ﷻ خارج گردد و از چهارپایش بیافتد و بمیرد، اجر او بر الله تعالی است یا اگر جنبنده‌ای او را نیش بزند و بمیرد، اجر او بر الله است یا اگر در بسترش بمیرد، اجر او بر الله ﷻ است).

پیامبر ﷺ درباره‌ی کسی که در هنگام نگهداری در راه الله تعالی بمیرد، فرموده است: «وَإِنْ مَاتَ جَرَى عَلَيْهِ عَمَلُهُ الَّذِي كَانَ يَعْمَلُهُ وَأُجْرِي عَلَيْهِ رِزْقُهُ وَأَمِنَ الْفُتَانَ»^(۲) (و اگر [شخصی هنگام نگهداری] بمیرد، عمل او ادامه می‌یابد [و ثواب آن را تا روز قیامت می‌برد] و رزق او به او اجر داده می‌شود و از فتنه‌ی قبر در امان می‌ماند). ای تأکیدی بر این امر است که نگهداری در راه الله تعالی دارای فضیلت است و معنای آن این می‌باشد: اگر در حال نگهداری بمیرد، اجر کسی

(۱) أحمد فی المسند 36/4.

(۲) مسلم، کتاب الإمامة، باب فضل الرباط فی سبیل الله عز وجل، برقم 1913.

را می‌برد که در حال نگهداری است [و زنده می‌باشد] و عمل او ادامه می‌یابد و رزق او جاری می‌شود و به مانند شهداء در بهشت روزی داده می‌شود، کسانی که روح‌های آنها در چینه‌دان پرنده‌ها [ی بهشتی] است، از میوه‌های بهشتی می‌خورند و از تمامی فتنه‌ها ایمن می‌گردند و گفته شده است از دو فرشته‌ی قبر [یعنی همان نکیر و منکر] در امان می‌مانند^(۱).

23- مثال مجاهد در راه الله تعالی:

ابوهریره رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَثَلُ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْقَانِتِ بآيَاتِ اللَّهِ لَا يَفْتَرُ مِنْ صِيَامٍ وَلَا صَلَاةٍ حَتَّى يَرْجِعَ الْمُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى»^(۲) (مثل مجاهد در راه الله به مانند کسی است که [دائماً] در روزه و نماز و فرمانبرداری از آیات الله است و در روزه و نمازش سستی نمی‌کند تا این که مجاهد در راه الله تعالی بازگردد).

24- قله‌ی اسلام، جهاد در راه الله تعالی می‌باشد:

(1) المفهم لما أشكل من تلخيص كتاب مسلم 756/3.

(2) متفق عليه: البخاری، كتاب الجهاد والسير، باب فضل الجهاد والسير، برقم

2785، ومسلم، كتاب الإمارة، باب فضل الشهادة في سبيل الله، برقم 1878.

معاذ بن جبل رضی اللہ عنہ آورده است که پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «رَأْسُ الْأَمْرِ
الْإِسْلَامُ وَعَمُودُهُ الصَّلَاةُ وَذِرْوَةٌ سَنَامِهِ الْجِهَادُ»^(۱) (راس امر اسلام) (تسلیم
امر الله تعالی شدن) است و ستون آن نماز است و قله‌ی کوه آن جهاد
است).

25- گردش کردن امت محمد صلی اللہ علیہ وسلم، جهاد در راه الله تعالی است:

ابو امامه رضی اللہ عنہ گفته است که مردی گفت: ای رسول الله! به من اجازه
بده تا به سفر و گردش بروم، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «إِنَّ سِيَاحَةَ أُمَّتِي الْجِهَادُ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^(۲) (گردش و سفر امت من جهاد در راه الله عز و جل
است) وقتی در اسلام امر نمی‌شود که بر روی زمین گردش و سیاحت
صورت پذیرد و از وطن و چیزهای دوست داشتنی، جدایی حاصل
شود و از نفس خواسته شود تا چیزی را که به آن الفت دارد، از آن
جدا شود و از کارهای مباح جدایی صورت گیرد، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم بیان می-

(۱) الترمذی، کتاب الإیمان، باب ما جاء أن الحياء من الإیمان برقم 2616، وابن
ماجه، کتاب الفتن، باب كف اللسان فی الفتنة، برقم 3973، وأحمد 5/230،
وصححه الألبانی فی صحیح ابن ماجه 2/359، وإرواء الغلیل، برقم 413،
138/2.

(۲) أبو داود، کتاب الجهاد، باب فی النهی عن السیاحة، برقم 2486، وحسنه
الألبانی فی صحیح سنن أبی داود 2/472.

فرماید که اسلام دین زندگی و جهاد در راه الله تعالی بر روی این زمین است و هیچ مسلمانی نوعی از انواع آن را ترک نمی‌کند^(۱).

26- پرتاب کردن تیری در راه الله تعالی معادل آزاد کردن برده‌ای

است:

أبو نجیح عمرو بن عبسۃ سلمیؓ آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «مَنْ رَمَى بِسَهْمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَهُوَ لَهُ عَدْلٌ مُحَرَّرٌ» (کسی که تیری در راه الله پرتاب کند، برای او معادل آزاد کردن برده‌ای است) و لفظ در سنن ابن ماجه این گونه است: «مَنْ رَمَى الْعَدُوَّ بِسَهْمٍ فَبَلَغَ سَهْمُهُ الْعَدُوَّ أَصَابَ أَوْ أَخْطَأَ فَعَدْلُ رَقَبَةٍ»^(۲) (کسی که تیری را به سوی دشمن پرتاب کند و تیر او به دشمن اصابت کند یا [در پرتاب خود] اشتباه کند [و تیر به دشمن نخورد] معادل آزاد کردن برده‌ای است).

27- عمل کم و اجر زیاد:

براهؓ گفته است: مردی زره پوش نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای رسول الله، آیا بجنگم یا مسلمان شوم؟ او فرمود: «أَسْلِمَ ثُمَّ قَاتِلْ»

(۱) نگاه شود به دلیل الراغبین إلى ریاض الصالحین ص 652.

(۲) الترمذی، کتاب فضائل الجهاد، باب ما جاء فی فضل الرمی فی سبیل الله، برقم 1638، وقال الترمذی: "هذا حدیث حسن صحیح، وأبو نجیح: هو عمرو بن عبسۃ السلمی"، وأخرجه ابن ماجه، کتاب الجهاد، باب الرمی فی سبیل الله برقم 2812، وصححه الألبانی فی صحیح سنن الترمذی 126/2.

(اسلام بیاور سپس بجنگ!) او اسلام آورد و جنگید، سپس کشته شد و رسول الله ﷺ فرمود: «عَمَلٌ قَلِيلًا وَأُجْرٌ كَثِيرًا» (عمل کمی انجام داد و اجر زیادی به او داده شد)^(۱).

28_ کسی که سربازی را تجهیز کند، همانا جنگ نموده است:

زید بن خالد رضی الله عنه آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «مَنْ جَهَّزَ غَازِيًا فَقَدْ غَزَا وَمَنْ خَلَفَ غَازِيًا فِي أَهْلِهِ فَقَدْ غَزَا»^(۲) (کسی که جنگجویی را تجهیز کند، همانا جنگ نموده است و کسی که جانشین جنگجویی [برای سرپرستی] از اهل آن [جنگجو] شود، همانا جنگ نموده است).

مبحث هفتم: ترساندن از ترک جهاد:

ابوهریره رضی الله عنه آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَغْزُ وَلَمْ يُحَدِّثْ بِهِ نَفْسَهُ مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ مِنْ نِفَاقٍ»^(۳) (کسی که بمیرد و

(1) متفق علیه: البخاری، کتاب الجهاد، باب عمل صالح قبل القتال، برقم 2808،

ومسلم، کتاب الإمارة، باب ثبوت الجنة للشهيد برقم 1900.

(2) متفق علیه: البخاری، کتاب الجهاد، باب فضل من جهَّز غَازِيًا، برقم 2843،

ومسلم، کتاب الإمارة، باب فضل إعانة الغازی فی سبيل الله، مرکوب وغيره، وخلافته فی أهله بخير برقم 1895.

(3) مسلم، کتاب الإمارة، باب من مات ولم يغز ولم يحدث نفسه بالغزو، برقم

جهاد نموده باشد و یا خودش را به جهاد تحریک نکرده باشد، بر شعبه‌ای (نوعی) از نفاق مرده است).

ابوامامه رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ لَمْ يَغْزُ أَوْ يُجَهِّزْ غَازِبًا أَوْ يَخْلُفْ غَازِيًا فِي أَهْلِهِ بِخَيْرٍ أَصَابَهُ اللَّهُ بِقَارِعَةٍ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^(۱) (کسی که جهاد نموده باشد یا جنگجویی را تجهیز نکرده باشد یا جانشین جنگجویی [برای سرپرستی] اهل آن [جنگجو] به نیکی نشود، الله حادثه‌ای کوبنده را قبل از روز قیامت بر او فرود می‌آورد).

ابن عمر رضی الله عنهما آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا تَبَايَعْتُمْ بِالْعَيْنَةِ وَأَخَذْتُمْ أَذْنَابَ الْبَقَرِ وَرَضَيْتُمْ بِالزَّرْعِ وَتَرَكْتُمُ الْجِهَادَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ ذُلًّا لَا يَنْزِعُهُ حَتَّى تَرْجِعُوا إِلَى دِينِكُمْ»^(۲) (اگر به تجارت عینه مشغول شدید و [شلاقهایی] مثل دم گاو را در دست گرفتید و به کشاورزی راضی شدید و جهاد را ترک نمودید، الله خواری را بر شما مسلط می‌کند تا زمانی که به دین خودتان بازگردید).

(۱) أبو داود، کتاب الجهاد، باب کراهیة ترک الغزو، برقم 2503، وحسنه الألبانی

فی صحیح سنن أبی داود 75/2.

(۲) أبو داود، کتاب البیوع، باب فی النهی عن العینة برقم 3462، ومسنده الإمام

أحمد 84/2، وصححه الألبانی لمجمع طرقه فی سلسلة الأحادیث الصحیحة برقم

ایجاد انگیزه برای آماده شدن برای جهاد در راه الله تعالی در حدیثی به ثبت رسیده است که عقبه بن عامر رضی الله عنه آن را از پیامبر صلی الله علیه و آله بیان داشته است: «مَنْ عَلِمَ الرَّمِيَّ ثُمَّ تَرَكَهُ فَلَيْسَ مِنَّا أَوْ قَدْ عَصَى»^(۱) (کسی که تیراندازی یاد بگیرد، سپس آن را ترک کند، از ما نیست یا این که همانا نافرمانی [در دین] نموده است).

[همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله دلیل ضعف مسلمانان را که امروز شاهد آن هستیم را بیان نموده و فرموده است: «يُوشِكُ الْأُمَمُ أَنْ تَدَاعَى عَلَيْكُمْ كَمَا تَدَاعَى الْأَكْلَةُ إِلَى قَصْعَتِهَا» (نزدیک است تا امتها بر شما مسلط شوند، همان گونه که کسی که غذا می خورد بر ظرف غذای خود مسلط است)، کسی گفت: آیا این به خاطر کم بودن ما در آن روز است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بَلْ أَنْتُمْ يَوْمئِذٍ كَثِيرٌ وَلَكِنَّكُمْ غَنَاءُ كُفَّاءِ السَّيْلِ وَلَيَنْزِعَنَّ اللَّهُ مِنْ صُدُورِ عَدُوِّكُمْ الْمَهَابَةَ مِنْكُمْ وَلَيَقْذِفَنَّ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمُ الْوَهْنَ» (نه، بلکه شما در آن روز زیاد می باشید، ولی به مانند خاشاکی هستید که توسط سیل می آید و الله ترس از شما را از سینه های دشمنانتان خارج می کند و الله در قلبهای شما «وهن» (سستی) را قرار می دهد). کسی گفت: ای رسول الله! «وهن» چیست؟ فرمود:

(۱) مسلم، کتاب الإمامة، باب فضل الرمی والحث علیه وذم من علمه ونسبه برقم

«حُبُّ الدُّنْيَا وَكَرَاهِيَةُ الْمَوْتِ» (دوست داشتن دنیا و کراهیت داشتن از مرگ)^(۱)

مبحث هشتم: شهید شدن در غیر صحنه‌ی جنگ:

پیامبر ﷺ شهیدانی را بیان فرموده است که در صحنه‌ی جنگ کشته نشده‌اند و خصوصیات آنها را این گونه بیان داشته است، ابوهریره رضی الله عنه آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «الشُّهَدَاءُ خَمْسَةٌ الْمَطْعُونُ وَالْمَبْطُونُ وَالغَرِقُ وَصَاحِبُ الْهَدْمِ وَالشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^(۲) (شهیدان پنج دسته می‌باشند: کسی که از طاعون بمیرد، کسی که بر اثر شکم درد و اسهال بمیرد، کسی که غرق شود، کسی که زیر آوارد بمیرد و شهیدی که در راه [جهاد] فی سبیل الله [کشته شود])^(۳). انس رضی الله عنه آورده است که

¹ - سنن ابوداود 4299 و شیخ آلبنانی آن را صحیح دانسته است. (مترجم)

^(۲) متفق علیه: البخاری، کتاب الجهاد، باب الشهادة سبع سوی القتل، برقم 2829، ومسلم، کتاب الإمارة، باب بیان الشهداء برقم 1914.

³ - چون این مرگها، مرگ سختی هستند، در صورتی که انسان در مبتلا شدن به آن صبر نماید و در هنگام وقوع آنها، محبت الله تعالی از قلب او بیرون نرود، شخصی که توسط آنها بمیرد، شهید محسوب می‌شود. (مترجم)

پیامبر ﷺ فرمود: «الطَّاعُونَ شَهَادَةٌ لِكُلِّ مُسْلِمٍ»^(۱) (طاعون شهادتی برای هر مسلمان است)^۲.

ابوهریره رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مَا تَعُدُّونَ الشَّهِيدَ فَيُكِّمُ» (چه کسانی را بین خودتان شهید می‌شمارید؟) گفتند: ای رسول الله! کسی که در راه الله کشته شود، شهید است، فرمود: «إِنَّ شُهَدَاءَ أُمَّتِي إِذَا لَقِلِيلٌ» (در آن صورت تعداد شهدای امت من کم می‌باشد) گفتند: پس آنها چه کسانی هستند ای رسول الله؟! فرمود: «مَنْ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَهُوَ شَهِيدٌ وَمَنْ مَاتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَهُوَ شَهِيدٌ وَمَنْ مَاتَ فِي الطَّاعُونَ فَهُوَ شَهِيدٌ وَمَنْ مَاتَ فِي الْبَطْنِ فَهُوَ شَهِيدٌ» (کسی که در راه الله کشته شود، او شهید است و کسی که در راه الله بمیرد، او شهید است و کسی که در اثر طاعون بمیرد، او شهید است و کسی که در اثر شکم درد و اسهال بمیرد شهید است) در روایتی دیگر آمده است: «وَالْغَرِيقُ شَهِيدٌ» (و کسی که در اثر غرق شدن بمیرد شهید است)^(۳).

جابر بن عتیک رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «الشُّهَدَاءُ سَبْعَةٌ سِوَى الْقَتْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الْمَطْعُونُ شَهِيدٌ وَالْغَرِيقُ شَهِيدٌ وَصَاحِبُ ذَاتِ

(۱) مسلم، کتاب الإمارة، باب بیان الشهداء برقم 1916.

۲ - این در صورتی است که از مکانی که گرفتار طاعون شده است، شخص خارج نگردد، تا مبادا این بیماری به بقیه نقاط بلاد اسلامی نیز سرایت کند. (مترجم)

(۳) مسلم، کتاب الإمارة، باب بیان الشهداء، برقم 1915.

الْجَنْبِ شَهِيدٌ وَالْمَبْطُونُ شَهِيدٌ وَالْحَرَقُ شَهِيدٌ وَالَّذِي يَمُوتُ تَحْتَ الْهَدْمِ شَهِيدٌ وَالْمَرَأَةُ تَمُوتُ بِجَمْعِ شَهِيدٍ»^(۱) (به غیر از کشته شده در راه الله، شهیدان هفت دسته می‌باشند: کسی که از طاعون بمیرد، شهید است و کسی که غرق شود، شهید است و کسی که بر اثر سینه پهلو بمیرد، شهید است و کسی که بر اثر شکم درد و اسهال بمیرد، شهید است و کسی که بر اثر آتش سوزی بمیرد، شهید است و کسی که زیر آوار بمیرد، شهید است و زنی که بر اثر زایمان بمیرد، شهید است).

عبادة بن الصامت رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنْ فِي الْقَتْلِ شَهَادَةٌ، وَفِي الطَّاعُونَ شَهَادَةٌ، وَفِي الْبَطْنِ شَهَادَةٌ، وَفِي الْغَرَقِ شَهَادَةٌ، وَفِي النِّسَاءِ يَقْتُلُهَا وَلَدَهَا جَمْعَاءَ شَهَادَةٌ»^(۲) (در کشته شدن شهادت وجود دارد، در از طاعون مردن شهادت وجود دارد، در شکم درد و اسهال

(1) مالک فی الموطأ، کتاب الجنائز، باب النهی عن البكاء علی المیت 334/1، واللفظ له، وأبو داود، کتاب الجنائز، باب فضل من مات فی الطاعون برقم 3111، والنسائی، کتاب الجنائز، باب النهی عن البكاء علی المیت برقم 1847، وقال النسائی فی المرأة "شهيدة" بثناء المربوطة، وصححه النووی فی شرح صحیح مسلم 66/13، والألبانی فی أحكام الجنائز ص 40.

(2) أحمد 314/5، 315، 317، وقال الهیثمی فی مجمع الزوائد 300/5: "رواه الطبرانی وأحمد بنحوه، ورجالهما ثقات".

مردن شهادت وجود دارد، در غرق شدن شهادت وجود دارد و در مُردن زنی بر اثر زایمان، شهادت وجود دارد).

راشد بن حبیبش گفته است: رسول الله ﷺ نزد عباده بن صامت رضی الله عنه رفت، تا به خاطر مریضی وی از او عیادت کند، رسول الله ﷺ فرمود: «أَتَعْلَمُونَ مَنْ الشَّهِيدُ مِنْ أُمَّتِي» (آیا می دانید چه کسی در امت من شهید است؟) عباده رضی الله عنه گفت: ای رسول الله! کسی که [در صحنه‌ی جنگ] صبر نماید و طلب پاداش نماید، رسول الله ﷺ فرمود: «إِنَّ شُهَدَاءَ أُمَّتِي إِذَا لَقِلِلُ الْقَتْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ شَهَادَةٌ وَالطَّاعُونَ شَهَادَةٌ وَالْغُرَقُ شَهَادَةٌ وَالْبَطْنُ شَهَادَةٌ وَالنَّفْسَاءُ يَجْرُهَا وَلَدُهَا بِسُرْرِهِ إِلَى الْجَنَّةِ وَالْحَرَقُ، وَالسَّلُّ»^(۱) (در این صورت تعداد شهدای امت من کم می باشد، کشته شده در راه الله ﷻ شهادت است، از طاعون مردن شهادت است و غرق شدن شهادت است و مُردن بر اثر شکم درد و اسهال شهادت است و مردن بر اثر زایمان باعث می شود تا فرزندش او را با نافش به بهشت برساند و مردن بر اثر آتش سوزی و بر اثر سِل [نیز شهادت است].

سعید بن زید رضی الله عنه آورده است که پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ وَمَنْ قُتِلَ دُونَ أَهْلِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ وَمَنْ قُتِلَ دُونَ دِينِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ»

(۱) أحمد 489/3، وقال الهيثمي في مجمع الزوائد 299/5: "رواه أحمد ورجاله

ثقات" وصحح إسناده الألباني في أحكام الجنائز ص 39.

وَمَنْ قُتِلَ دُونَ دَمِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ»^(۱) (کسی که برای دفاع از مالش کشته شود، او شهید است و کسی که برای دفاع از اهلش کشته شود، او شهید است و کسی که برای دینش کشته شود، او شهید است و کسی که برای خودش کشته شود، او شهید است). همچنین عبد الله بن عمر رضی الله عنهما به خالد بن عاص گفت: آیا می‌دانی رسول الله ﷺ فرموده است: «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ»^(۲) (کسی که برای دفاع از مالش کشته شود، او شهید است). سوید بن مقرن آورده است که پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَظْلَمَتِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ»^(۳) (کسی که برای دفاع از مظلومی کشته شود، او شهید است).

(۱) أبو داود، کتاب السنّة، باب فی قتال اللصوص، برقم 4772، والنسائی، کتاب المحاربة، باب من قاتل دون أهله برقم 4099، 4100، واللفظ له، وأخرجه الترمذی مختصراً، کتاب الدیات، باب ما جاء فیمن قتل دون ماله فهو شهید، برقم 1418، وابن ماجه مختصراً، کتاب الحدود، باب من قتل دون ماله فهو شهید، برقم 2580، وأحمد بلفظ [ترتیب] أحمد شاکر، 118/3 برقم 1651 و 1653، وقال الترمذی: حسن صحیح، وصح إسناده أحمد شاکر فی الموضوع السابق، وصححه الألبانی فی صحیح النسائی، 858/3.

(۲) مسلم، کتاب الإیمان، باب الدلیل علی أن من قصد أخذ مال غیره بغير حق کان القاصد مهتر الدم فی حقه برقم 141.

(۳) النسائی، کتاب المحاربة، باب من قتل دون مظلمته برقم 4101، وصححه الألبانی فی صحیح النسائی 858/3.

حافظ ابن حجر رحمه الله گفته است: «چیزی که آشکار می‌باشد این است که وی علیه السلام اول تعداد کمتری [از انواع شهادت] را بیان نمود و بعد آن را زیاد نمود و موارد زیاد شده را در زمانی دیگر مشخص کرد و هدف وی این نبود که فقط آن [انواع] شهادت منحصر به آن تعداد می‌باشد. از راه‌های مختلف بیشتر از بیست نوع از انواع شهادت بیان شده است و آنچه که من آن را شمرده‌ام چهارده نوع می‌باشد»^(۱). می‌گویم: انواعی که از احادیث مختلف رسیده است، شامل موارد زیر می‌باشد:

- 1- کسی که در راه الله تعالی کشته شود، شهید است.
- 2- کسی که در راه الله تعالی بمیرد، او شهید است، یعنی در حالی بمیرد که صحنه‌ی جنگ را مشاهده نکرده باشد و شامل مردن به هر شکلی می‌باشد.
- 3- از طاعون مُرده شهید است، او کسی است که بر اثر طاعون مرده است که همان وبا می‌باشد.

(۱) فتح الباری 43/6، و ذکر: من وقصه فرسه فی سبیل الله، أو لدغته هامة، أو مات علی فراشه علی ای حنط شاء الله تعالی، فهو شهید، و صحح الدارقطنی "موت الغریب شهادة" و لابن حبان "من مات مرابطاً مات شهیداً".

- 4- «مبطون» شهید است و او کسی است که به علت [درد] شکمش مرده باشد، مانند: استفراغ، ورم نمودن معده و اسهال. گفته می‌شود: او کسی است که فقط توسط شکمش مُرده باشد..
- 5- غرق شده شهید است و او کسی است که در آب غرق شده است و به دو صورت «غَرِق» و «غَرِیق» آمده است.
- 6- کسی که زیر آوار بمیرد او شهید است، «صاحب الهدم».
- 7- کسی که بر اثر آتش سوزی بمیرد، او شهید است. کسی که در این سه مورد، احتیاط لازم را به عمل نیاورد و بر اثر بی‌توجهی خودش بمیرد، او از الله تعالی نافرمانی نموده است و امر او به سوی الله تعالی باز می‌گردد، اگر بخواهد او را عذاب می‌کند و اگر بخواهد او را مورد عفو قرار می‌دهد^(۱).
- 8- «صاحب ذات الجنب» شهید است، و آن سینه پهلو است و ورم شدید شکم می‌باشد.
- 9- زنی که بر اثر زایمان مرده باشد، شهید است و آن در حالتی است که زن حامله بمیرد و فرزندش همراه او در شکمش باشد و گفته

(۱) المفهم لما أشکل من تلخیص کتاب مسلم 757/3.

شده است که او نازاییده باشد و قرطبی و نووی حالت اول را صحیح دانسته‌اند^(۱).

10- کسی که برای دفاع از مالش کشته شود، شهید است.

11- کسی که برای دفاع از اهلش کشته شود، شهید است.

12- کسی که برای دفاع از دینش کشته شود، شهید است.

13- کسی که برای خونش بمیرد، شهید است.

14- کسی که برای مظلومی بمیرد، شهید است.

15- کسی که بر اثر بیماری سل بمیرد شهید است و آن بیماری

است که در ریه حاصل می‌شود و باعث سینه پهلو می‌شود، همچنین گفته شده است: سرماخوردگی یا سرفه‌ی شدیدی که همراه طب باشد، همچنین به غیر این دو نیز گفته شده است^(۲).

[البته باید توجه داشت که در هنگام وارد شدن چنین بلاهای سختی

بر انسان که باعث زجر کشدن شخص در مردن می‌شود، شخص مسلمان

نباید محبت الله تعالی از قلبش خارج شود و هنگامی که زجر می‌کشد

صبور بوده و از الله طلب اجر نماید و به واسطه‌ی سختی که بر وی

(۱) کل هذه الشروح للكلمات من المفهم لما أشكل من تلخیص كتاب مسلم للقرطبی 756/3-758، وشرح النووی علی صحیح مسلم 66/13-67، و نگاه

شود به فتح الباری، لابن حجر 43/6.

(۲) الترغیب والترهیب للمندری 309/2.

وارد می‌شود، کافر نگردد، در این حالت است که اگر شخص مسلمان با زجر بمیرد و صبر نماید، شهید محسوب می‌شود].

مبحث نهم: اسباب پیروزی بر دشمنان:

با قطع و یقین معلوم است که اسبابی برای پیروزی بر دشمنان وجود دارد که اگر آنها در بین مسلمانان تحقق یابد، به اذن الله تعالی بر دشمنانشان پیروز می‌گردند، این اسباب بدین شرح است:

1- ایمان و عمل صالح:

الله تعالی به مؤمنان وعده‌ی پیروزی بر دشمنانشان را داده است و توسط آن دین آنها چیره می‌گردد و دشمنانشان هلاک می‌شوند، حتی اگر زمان زیادی بگذرد، الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ * يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذرتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾ [غافر: 51، 52] (ما رسولان و کسانی را که ایمان آورده‌اند در دنیا و روزی که گواهان بر می‌خیزند، یاری می‌کنیم و پیروز می‌گردانیم * روزی که ستمگران، عذرخواهی آنان سودی نمی‌رساند و برای آنها لعنت و برای آنها بد جایگاهی خواهد بود). همچنین الله سبحانه می‌فرماید: ﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الروم: 47] (همواره یاری نمودن و پیروز گرداندن مؤمنان بر ما واجب بوده است). مؤمنانی که به آنها وعده‌ی یاری و پیروزی داده شده‌اند، دارای این صفات می‌باشند: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ

اللَّهُ وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ * الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ * أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿الأنفال: 2-4﴾

[4] (مؤمنان فقط کسانی هستند که وقتی به الله یادآور می شوند، قلبهای آنان می ترسد و وقتی آیات وی بر آنها تلاوت می شود، ایمان آنها زیاد می شود و فقط بر پروردگارشان، توکل می کنند * کسانی که نماز می خوانند و از آنچه به آنها روزی داده ایم انفاق می کنند * آنان مؤمنانی حقیقی هستند، برای آنها درجاتی نزد پروردگارشان و آمرزش و روزی گرامی می باشد). همچنین الله تعالی می فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [النور: 55] (الله به کسانی از شما که ایمان آورده اند و

عمل صالح انجام می دهند، وعده داده است که آنها را جانشینانی بر روی زمین قرار می دهد، همان گونه که نفرات قبل از آنها را جانشین قرار داد و برای آنها دین آنها را که از آن برای آنها راضی شده است را پابرجا و برقرار قرار خواهد داد و ترس آنها را به امنیت تبدیل خواهد نمود، مرا می پرستند [و] ذره ای به من شرک نمی ورزند و کسی که بعد از آن کافر شود، آنها همان فاسقان هستند). همچنین الله تعالی

می فرماید: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ [النساء: 141] (و هرگز الله راهی برای کافران بر علیه مؤمنان قرار نمی دهد).

2- یاری دین الله تعالی:

از بزرگترین اسباب پیروزی و یاری شدن: یاری دادن دین الله تعالی است و آن یاری دادن با سخن، اعتقاد، عمل و دعوت برپا داشته می شود. الله تعالی می فرماید: ﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ * الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ [الحج: 40، 41] (و همانا الله کسی که او را یاری دهد را یاری خواهد نمود، الله بسیار قدرتمند [و] پر عزت است * کسانی که وقتی بر روی زمین به آنها قدرت می دهیم، نماز را برپا می دارند و زکات می دهند و امر به نیکی می کنند و از بدی باز می دارند و سرانجام همه کارها برای الله است). همچنین الله تعالی می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ * وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾ [محمد: 7، 8] (ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر الله را یاری دهید، شما را یاری می نماید و ثابت قدمتان می گرداند * و کسانی که کفر می ورزند، مرگ بر آنها باد و اعمالشان باطل باشد). همچنین الله ﷻ می فرماید: ﴿وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾ [الصافات: 173] (و همانا سربازان ما غلبه کنندگان هستند).

3- توکل بر الله تعالی و به دنبال اسباب رفتن:

توکل بر الله تعالی همراه با کسب قدرت از بزرگترین عوامل یاری شدن و پیروز گردیدن است، زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ [المائدة: 11] (و مؤمنان باید فقط بر الله توکل کنند). همچنین الله سبحانه می‌فرماید: ﴿إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ [آل عمران: 160] (اگر الله شما را یاری نماید، غلبه کننده‌ای بر شما وجود ندارد و اگر شما را خوار گرداند، چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد داد و مؤمنان باید فقط بر الله توکل کنند). همچنین الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ [آل عمران: 159] (پس چنانچه قصد نمودی بر الله توکل کن! الله توکل کنندگان را دوست می‌دارد). همچنین الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾ [الأحزاب: 3] (و بر الله توکل کن که الله برای حامی و کارساز بودن، کافی است). همچنین الله سبحانه می‌فرماید: ﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا﴾ [الفرقان: 58] (و بر زنده‌ای توکل کن که نمی‌میرد و او را تسبیح گوی و ستایش و شکر نما و همین کافی است که او به گناهان بندگانش آگاه است). عمر بن خطاب رضی الله عنه آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «لَوْ أَنْكُمْ تَوَكَّلْتُمْ عَلَى اللَّهِ حَقَّ تَوَكُّلِهِ لَرَزَقَكُمْ كَمَا يَرْزُقُ

الطَّيْرَ تَعْدُوْ خِمَاصًا وَتَرُوْحُ بَطَانًا»^(۱) (اگر آنچنان که حق توکل کردن بر
الله است شما بر او توکل کنید، به شما روزی می‌دهد، همان گونه که به
پرنده روزی می‌دهد، به گونه‌ای که صبح گرسنه بیرون می‌آید و شب
سیر باز می‌گردد). گریزی نیست که باید هنگام توکل اسباب نیز تهیه
شود؛ زیرا توکل دارای دو پایه‌ی بزرگ است:

اول: اعتماد بر الله تعالی و مطمئن بودن به وعده و یاری وی [و
سپردن خود به الله تعالی].

دوم: کسب کردن اسباب مشروع، [منظور این است که آن کار
حلالی را که از دستمان بر می‌آید را انجام دهیم و این گونه نباشد که
خود را به الله متعال بسپاریم و هیچ کاری نکنیم، به طور مثال وقتی
گرسنه می‌شویم نگوئیم توکل بر الله و این در حالی باشد که لقمه‌ی
خودمان را در دهانمان قرار ندهیم یا آن که مثلاً نگوئیم توکل به خدا
من به بهشت می‌روم و هیچ سعی و تلاشی برای به بهشت رفتن از
خود نشان ندهیم]، زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ
مِّنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِّنْ
دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ

(۱) الترمذی، کتاب الزهد، باب فی التوکل علی الله برقم 2344، وابن ماجه کتاب

الزهد، باب التوکل والیقین برقم 4164، وصححه الألبانی فی صحیح الترمذی

إِيَّكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَظْلُمُونَ﴾ [الأَنْفَال: 60] (و برای آنها تا آنجا که می-
 توانید قدرت و اسبهای آماده تهیه کنید، تا توسط آنها دشمنان الله و
 دشمن خودتان را بترسانید و [همچنین] اشخاص دیگری به غیر از آنها
 را [بترسانید] که آنها را نمی‌شناسید و الله آنها می‌شناسد و آنچه که در
 راه الله انفاق کنید، به طور کامل به شما برگردانده می‌شود و شما مورد
 ظلم قرار نمی‌گیرید). انس رضی الله عنه گفته است: مردی گفت: ای رسول الله!
 آیا [شترم] را ببندم و بر [الله تعالی] توکل کنم یا آن که آن را آزاد
 بگذارم و توکل نمایم؟ فرمود: «اعْقِلْهَا وَتَوَكَّلْ»^(۱) (او را ببند و توکل
 کن!).

4- مشاوره با مسئولان برای آماده سازی سربازان اسلامی:

رسول الله صلی الله علیه و آله با کمال عقلش و درستی فکرش با اصحابش رضی الله عنهم
 مشاوره می‌نمود، تا از امر الله تعالی اطاعت کند و موجب پاکی نفس
 صحابه رضی الله عنهم بشود. الله تعالی می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ
 كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ
 وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ
 الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ [آل عمران: 159] (و به واسطه رحمتی از جانب الله
 است که تو با آنان نرمش نمودی و اگر درشتخوی و سنگدل بودی از

(۱) الترمذی، کتاب صفة القيامة، باب حدیث اعقلها وتوکل برقم 2517، وحسنه

پیرامون تو پراکنده می‌شدند، پس آنان را عفو کن و برای آنها طلب
آمزش نما و در امور با آنان مشورت کن! و وقتی تصمیم گرفتی بر
الله توکل نما! الله توکل کنندگان را دوست می‌دارد). الله سبحانه می-
فرماید: ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾ [الشوری: 38] (و کارشان بر اساس
مشورت با یکدیگر است).

5- ثابت قدم بودن هنگام دیدار دشمن:

از عوامل پیروزی ثابت قدم بودن هنگام برخورد با دشمن است، به
طوری که شکست صورت نپذیرد و فرار انجام نشود، از پیامبر ﷺ به
ثبت رسیده است که در تمامی صحنه‌های جنگ، خود را به خطر می-
انداخت، مانند غزوه‌های بدر، أحد و حنین، در غزوه‌ی حنین وقتی
ثابت قدم ایستاد و بعضی از مسلمانان را به جنگ بر گرداند، فرمود:
«أَنَا النَّبِيُّ لَا كَذِبَ أَنَا ابْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ اللَّهُمَّ نَزِّلْ نَصْرَكَ»^(۱) (من پیامبر
هستم و دروغ نیست، من پسر عبدالمطلب هستم، یا الله یاریات را
نازل بفرما!). او ﷺ الگو و پیشوای نیکویی برای ما است، الله ﷻ می-
فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ
وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ [الأحزاب: 21] (همانا برای شما در

(1) متفق علیه: البخاری، کتاب الجهاد والسير، باب من قاد دابةً غيره في الحرب
برقم 2864، ومسلم، کتاب الجهاد والسير، باب غزوة حنين، 1776 عن البراء بن

رسول الله، الگویی نیکویی برای کسی که به الله و روز آخرت امید دارد و الله را بسیار یاد می‌کند، وجود دارد، بعد از او علیه السلام صحابه رضی الله عنهم نیز این امر به اثبات رسیده است.

عبد الله بن ابی اوفی رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَتَمَنَّوْا لِقَاءَ الْعَدُوِّ وَسَلُّوْا لِلَّهِ الْعَافِيَةَ فَإِذَا لَقَيْتُمُوهُمْ فَاصْبِرُوا وَاعْلَمُوا أَنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ ظِلِّالِ السُّيُوفِ»^(۱) (ای مردم! آرزوی دیدار دشمن را نداشته باشید و از الله طلب عافیت نمایید و وقتی آنها را ملاقات کردید، صبور باشید و بدانید که بهشت زیرا سایه‌ی شمشیرهاست).

6- شجاعت، قهرمانی و اعتماد به نفس:

از بزرگترین اسباب یاری شدن و پیروزی: شجاع بودن و اعتماد به نفس داشتن است و همچنین اعتقاد وجود داشته باشد که جهاد، زمان مرگ را جلو و عقب نمی‌اندازد، می‌باشد. الله تعالی می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَتَمَنَّوْا لِقَاءَ الْعَدُوِّ وَسَلُّوْا لِلَّهِ الْعَافِيَةَ فَإِذَا لَقَيْتُمُوهُمْ فَاصْبِرُوا وَاعْلَمُوا أَنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ ظِلِّالِ السُّيُوفِ» [النساء: 78] (هر کجا که باشید، مرگ به سراغ شما می‌آید، حتی اگر در قلعه‌های محکم باشید).

(۱) متفق علیه: البخاری، کتاب الجهاد، باب الجنة تحت بارقة السيوف، برقم 2818، ومسلم، کتاب الجهاد والسير، باب كراهية تمنى لقاء العدو، والأمر بالصبر عند اللقاء، برقم 1742.

شاعری گفته است:

من لم يمّت بالسيف مات تعددت الأسباب والموت

بغيره واحد

کسی که با شمشیر نمرید راه‌های [مُردن] متعدد است

به همین دلیل است که کسانی که ایمان کامل دارند، شجاع‌ترین مردم هستند و شجاع‌ترین شخص در بین مؤمنان همان پیشوای آنها محمد علیه الصلاة والسلام است، در صحنه‌های بزرگ جنگ شجاعت وی آشکار می‌شد و در آنها جنگ می‌نمود. برای نمونه این موارد را به طور مثال بیان می‌داریم:

اول: شجاعت نادری در صحنه‌ی بدر، علی بن ابی طالب رضی الله عنه گفته است: «ما روز بدر را دیدیم و ما به رسول الله صلی الله علیه و آله پناه می‌گرفتیم، او نزدیکترین ما نسبت به دشمن بود و شدیدترین مردم در شدت گرفتن، در آن روز بود»^(۱). همچنین وی رضی الله عنه گفته است: «وقتی جنگ شدت می‌گرفت و با گروه دشمن برخورد می‌کردیم، به رسول الله صلی الله علیه و آله پناه می‌بردیم و کسی جلوتر از او نسبت به دشمن نبود»^(۲).

(۱) أحمد فی المسند 1/86، والحاکم وصححه ووافقه الذهبی 2/143.

(۲) الحاکم وصححه ووافقه الذهبی 2/143، وعزاه ابن کثیر فی البدایة والنهایة 279/3 إلی النسائی.

دوم: در صحنه‌ی جنگ احد که قهرمانانه جنگید و به مانند او شخصی از بشر جنگ نکرده بود^(۱).

سوم: در صحنه‌ی جنگ حنین: براء رضی الله عنه گفته است: وقتی شدت جنگ به ما می‌رسید، به او پناه می‌بردیم و شجاعان ما کسانی بودند که همراه وی یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله بودند^(۲). نشستن وی بر روی قاطری در صحنه‌ی جنگ حنین و دیگر جنگها دلیلی بر شجاعت وی بود؛ به همین دلیل علماء سوار شدن وی صلی الله علیه و آله را بر روی قاطر در محلهای جنگ و هنگام بالا رفتن شدت را نهایت شجاعت و ثابت قدم بودن وی می‌دانند؛ زیرا سوار شدن بر اسب نر و جنگی دلیلی بر این است که فرار و پشت کردن راحت صورت می‌گیرد؛ همچنین پیاده شدن وی هنگام نزدیک شدن [به دشمن]، دلیلی بر زیاد بودن ثابت قدم بودن، شجاعت و صبر وی است^(۳)، حدیثی که آن را تأکید می‌کند، روایتی است که امام مسلم رحمه الله از سلمة رضی الله عنه روایت می‌کند، سلمة رضی الله عنه در آن گفته است: در حالی که احساس شکست داشتیم به نزد رسول الله صلی الله علیه و آله رسیدیم و او بر قاطر خود شهباء سوار بود، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لَقَدْ رَأَى ابْنُ

(۱) نگاه شود به زاد المعاد 199/3.

(۲) مسلم، کتاب الجهاد والسير، باب غزوة حنین برقم 1776.

(۳) نگاه شود به شرح النووی علی صحیح مسلم 358/12، وفتح الباری لابن حج

الأَكُوْعَ فَرَاعاً» (ابن اکوع ترسیده دیده می شود)، وقتی به رسول الله ﷺ نزدیک شدند، از قاطر پیاده شد، سپس یک مشت خاک در دست گرفت و سپس آن را به سمت گروه [دشمنان] پرتاب نمود و فرمود: «شَاهَتِ الْوُجُوهُ» (چهره‌ها زشت شد)، الله [تعالی] انسانی از آنها را خلق نفرموده بود، مگر آن که آن مشت خاک چشمان آنان را پُر نمود و الله [تعالی] آنان را شکست داد و رسول الله ﷺ غنیمت‌ها را بین مسلمان، تقسیم نمود^(۱). به ثبت رسیده است که پیامبر ﷺ در نوزده غزوه شرکت نمود و در هشت عدد از آنها مستقیماً درگیر جنگ شد^(۲). امام نووی رحمه الله و دیگران ذکر نموده‌اند که تعداد جنگهایی که در زمان پیامبر ﷺ صورت پذیرفت، پنجاه و شش سریه و بیست و هفت غزوه بود که در نه عدد از آنها او مستقیماً شمشیر به دست گرفت و جنگید^(۳).

این چنین بود وضع صحابه ﷺ و اشخاص بعد از آنها که از اهل علم و ایمان بودند. شایسته است که مجاهدان به پیامبرشان ﷺ اقتدا کنند،

(۱) مسلم، کتاب الجهاد والسير، باب غزوة حنین برقم 1777.

(۲) مسلم، کتاب الجهاد والسير، باب عدد غزوات النبی صلی الله علیه وسلم برقم 1814.

(۳) نگاه شود به شرح النووی علی صحیح مسلم 436/12، و نگاه شود به البدایة والنهاية لابن کثیر 241/3، و 216/5-217، و زاد المعاد لابن القیم 5/3.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ [الأحزاب: 21] (همانا برای شما در رسول الله، الگوی نیکویی برای کسی است که به الله و روز آخرت امید دارد و الله را بسیار یاد می‌کند).

پیامبر ﷺ شجاعترین مردم بود، انس رضی الله عنه گفته است: «پیامبر ﷺ نیکوترین مردم، بخشنده‌ترین مردم و شجاعترین مردم بود، اهل مدینه [به علت صدایی] شبی دچار ترس شدند و مردم به سوی صدا شتافتند و جلوی همه آنها پیامبر ﷺ بود که می‌فرمود: «لَمْ تُرَاعُوا لَمْ تُرَاعُوا» (چیزی نیست که شما را بترساند، چیزی نیست که شما را بترساند)، این در حالی بود که بر اسبی که برای ابوظحاه بود سوار بود و آن بدون زین بود...^(۱).

7- دعا نمودن و زیاد ذکر گفتن (الله تعالی را زیاد یاد کردن):

از بزرگترین و قوی‌ترین عوامل یاری شدن و پیروز گردیدن، فریاد خواهی از الله تعالی و زیاد او را یاد کردن است؛ زیرا او قوی و قادری است که دشمنان را شکست می‌دهد و دوستانش را یاری داده و پیروز می‌گرداند، الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ

(1) متفق علیه: البخاری، کتاب الأدب، باب حسن الخلق والسخاء وما يكره من البخل برقم 6033، ومسلم، کتاب الفضائل، باب فی شجاعة النبی صلی الله علیه وسلم وتقدمه للحرب برقم 2307.

أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانَ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿البقرة: 186﴾ (وقتی بندگان من درباره من از تو می پرسند، بگو من نزدیک هستم [و] دعای دعا کننده را وقتی دعا می کند، اجابت می کنم، پس مرا استجابت کنند و به من ایمان بیاورند، باشد که راه یابند). همچنین می فرماید: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ [غافر: 60] (و پروردگارتان می گوید: بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را! کسانی که از عبادت من [سر باز می زنند و] طلب تکبر می نمایند، خوار شده وارد جهنم می گردند). الله ﷻ می فرماید: ﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَبَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدِّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ﴾ [الأنفال: 9] (زمانی که از پروردگارتان، فریاد خواهی نمودید، شما را اجابت نمود که با هزار ملائک پشت سر هم آمده شما را یاری می نماید). الله تعالی به ذکر و دعا هنگام برخورد با دشمن، امر می نماید و می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [الأنفال: 45] (ای کسانی که ایمان آورده اید! وقتی با گروهی [از دشمنان] برخورد نمودید، پس ثابت قدم باشید و الله را بسیار یاد کنید! باشد که رستگار شوید)؛ زیرا الله سبحانه یاری رسان است و نیک یاور و یاری رسانی می باشد، الله سبحانه و تعالی می فرماید: ﴿وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ [آل عمران: 126] (یاری و پیروزی وجود ندارد،

مگر از نزد الله بسیار با عزت و بسیار با حکمت؛ به همین دلیل پیامبر ﷺ در هنگام جنگ از پروردگارش طلب می نمود و از او فریاد خواهی می کرد و [الله تعالی نیز] او را با سربازان غیبی اش یاری می نمود و پیروز می گرداند، این چنین بود که در روز بدر، پیامبر ﷺ به مشرکان نگاه کرد، در حالی که آنها هزار نفر بودند و صحابه ی پیامبر ﷺ سیصد و نوزده نفر بودند، در این هنگام پیامبر ﷺ رو به قبله نمود و دستان خود را بالا برد و از الله تعالی فریاد خواهی نمود، همچنان از الله تعالی به صورت یگانه طلب کمک نمود تا این که ردایش از شانه اش افتاد و ابوبکر رضی الله عنه آمد و ردای او را بر شانه اش قرار داد و گفت: ای پیامبر! قسم دادن به پروردگارت برایت کافی است و او آنچه را که وعده داده است، عملی خواهد است؛ در این هنگام بود که الله تعالی نازل فرمود: ﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِئَةِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّينَ﴾ [الأنفال: 9] (زمانی که از پروردگارتان، فریاد خواهی نمودید، شما را اجابت نمود که با هزار ملائک پشت سر هم آمده شما را یاری فرماید). الله تعالی او را با هزار ملائک یاری نمود^(۱). این چنین بود که پیامبر ﷺ از الله تعالی در تمام جنگها دعا

(۱) متفق علیه: البخاری، کتاب المغازی، باب قول الله تعالی: ﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ﴾ برقم 3953، ومسلم، کتاب الجهاد والسير، باب الإمداد بالملائكة برقم 1763.

می نمود و از آنها این سخنش ﷺ می باشد: «اللَّهُمَّ مُنْزِلَ الْكِتَابِ ، سَرِيعَ الْحِسَابِ [وَمُجْرِيَ السَّحَابِ ، وَهَازِمَ الْأَحْزَابِ] اهْزِمِ الْأَحْزَابَ اللَّهُمَّ اهْزِمْهُمْ وَزَلْزِلْهُمْ وَأَنْصِرْنَا عَلَيْهِمْ»^(۱) (یا الله! ای نازل کننده ی کتاب! به سرعت به حساب و کتاب کشنده [و به حرکت در آورنده ی ابر و شکست دهنده ی حزبها،] حزبها را شکست بده! یا الله! آنها را شکست بده! و آنان را به لرزه درآور و ما را بر آنها یاری بده و پیروز گردان!). انس رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله وقتی وارد جنگی می شد، می فرمود: «اللَّهُمَّ أَنْتَ عَضِدِي وَنَصِيرِي بِكَ أَحُولُ وَبِكَ أَصُولُ وَبِكَ أُقَاتِلُ»^(۲) (ای الله! تو کمک کننده به من و یاری رساننده به من هستی، با تو به حرکت می افتم و با تو سواری ام را می تازم و با تو جنگ می کنم). ابوبرده بن عبد الله از پدرش آورده است که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از گروهی می ترسید، می فرمود: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ وَنَعُوذُ بِكَ

(۱) مسلم، کتاب الجهاد والسير، باب استحباب الدعاء بالنصر عند لقاء العدو، برقم

1742 من حدیث عبد الله بن ابي أوفى - رضی الله عنهما - .

(۲) أبو داود، کتاب الجهاد، باب ما يدعى عند اللقاء برقم 2632، واللفظ له،

والترمذی بنحوه، کتاب الدعوات، باب فی الدعاء إذا غزا، برقم 3584، وحسنه

وصححه الألبانی فی صحیح سنن ابي داود 499/2، وفي صحیح الترمذی

مِنْ شُرُورِهِمْ»^(۱) (یا الله! ما تو را بر گردن آنها قرار می‌دهیم و از شرّ-
 های آنها به تو پناه می‌بریم). ابن عباس رضی الله عنهما گفته است:
 ابراهیم [الکلبی] را وقتی در آتش انداختند گفت: «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ
 الْوَكِيلُ» (الله برای ما کافی است و نیک نگهبانی می‌باشد) و همچنین
 این عبارت را وقتی مردم به محمد ﷺ گفتند: «إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا
 لَكُمْ» (مردم برای [از بین بردن] شما جمع شده‌اند)، [او ﷺ] این عبارت
 را بیان فرمود^(۲). این امر شایسته‌ی مجاهدان در راه الله تعالی می‌باشد؛
 زیرا توسط دعا، الله تعالی آن بلا یایی را که به آنها آگاه است را دفع
 می‌نماید.

سلمان رضی الله عنه آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «لَا يَرُدُّ الْقَضَاءُ إِلَّا
 الدُّعَاءُ وَلَا يَزِيدُ فِي الْعُمْرِ إِلَّا الْبِرُّ»^(۳) (حکم کردن [الله تعالی] را چیزی

(۱) أبو داود، کتاب الوتر، باب ما يقول الرجل إذا خاف قومًا، برقم 1537،
 وصححه الحاكم ووافقه الذهبي 142/2، وصححه الألبانی فی صحیح أبي داود
 286/10.

(۲) البخاری، کتاب التفسیر، سورة آل عمران، باب قوله: {الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ
 النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ} برقم 4563، 4564.

(۳) الترمذی، کتاب القدر، باب ما جاء: لا یرد القدر إلا الدعاء، برقم 2139،
 وحسنه الألبانی فی صحیح سنن الترمذی، 225/2، وفي سلسلة الأحاديث
 الصحيحة، برقم 154.

بر نمی‌گرداند، مگر دعا و عمر را چیزی زیاد نمی‌کند مگر نیکی [و صله ارحام].

8 - اطاعت از الله تعالی و فرستاده‌اش ﷺ:

اطاعت از الله تعالی و فرستاده‌اش ﷺ از قوی‌ترین مسائل و عوامل یاری شدن و پیروزی می‌باشد، بر هر مجاهد در راه الله تعالی و بلکه بر هر مسلمان واجب است تا به اندازه‌ی یک چشم بهم زدن از الله تعالی نافرمانی نکند، آنچه که الله تعالی به آن امر فرموده است، واجب است تا صورت پذیرد و هر چه را که نهی فرموده است، واجب است تا از آن دوری صورت گیرد، به همین دلیل الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَازَعُوا فَعْفَلُوا وَتَذَهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ [الأنفال: 46] (و از الله و فرستاده‌اش اطاعت کنید و کشمکش ننمایید که در مانده می‌گردید و هیبت و شکوه شما از بین می‌رود و صبور باشید که الله با صبرکنندگان است). الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ [النور: 52] (و کسی که از الله و فرستاده‌اش اطاعت کند و از الله بترسد و از او تقوا پیشه کند، آنان همان کامیابان هستند). الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾ [الأحزاب: 36] (و بر مرد و زن مؤمن جایز نیست که وقتی الله

و فرستاده‌اش امری را حکم نمودند، برای آنها در امرشان حق انتخاب وجود داشته باشد و کسی که از الله و فرستاده‌اش نافرمانی کند، همانا به گمراهی آشکاری گمراه شده است). الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: 63] (پس کسانی که از امر وی مخالفت می‌ورزند، بترسند که گرفتار فتنه‌ای شوند یا عذابی دردناک به آنها برسد). عبد الله بن عمر رضی الله عنهما آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «بُعِثْتُ بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ بِالسَّيْفِ حَتَّى يُعْبَدَ اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَجَعَلَ رِزْقِي تَحْتَ ظِلِّ رُمْحِي وَجَعَلَ الذُّلَّ وَالصَّغَارُ عَلَى مَنْ خَالَفَ أَمْرِي وَمَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ»⁽¹⁾ (در پیشگاه قیامت با شمشیر برانگیخته شدم تا این که الله به صورت یکتا و بی‌شریک عبادت شود و رزق و روزی من، زیر نیزه‌ام قرار داده شده است و ذلالت و خواری برای کسی است که با امر من مخالفت ورزد و کسی که به قومی تشابه پیدا کند، از آنان است).

9 - جمع شدن و عدم کشمکش داشتن:

(1) أحمد بلفظه 92/2، والبخاری معلقاً، كتاب الجهاد، باب ما قيل في الرماح، في ترجمة الباب قبل الحديث رقم 2914. وسمعت الإمام عبد العزيز ابن عبد الله - رحمه الله تعالى - أثناء تقريره على البخاری الحديث رقم 2914 يقول: "إسناده حسن".

بر مجاهدان واجب است تا عوامل یاری شدن و پیروزی را محقق گردانند و تحت هر شرایطی به الله تعالی و تکالیف وی اعتصام پیدا کنند و از کشمکش و فرقه فرقه شدن خودداری نمایند، الله تعالی می-فرماید: ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ [الأنفال: 46] (و از الله و فرستاده‌اش اطاعت کنید و کشمکش ننمایید که درمانده می‌گردید و هبیت و شکوه شما از بین می‌رود و صبور باشید که الله با صبرکنندگان است). الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ [آل عمران: 103] (و به ریسمان الهی چنگ زبید و فرقه فرقه نشوید). الله تعالی می-فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ [النساء: 59] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید از الله اطاعت کنید و از رسول و صاحبان امر از خودتان، اطاعت کنید! پس اگر در چیزی اختلاف نمودید آن را به الله (کلام وی که همان قرآن است) و رسول (کلام وی که همان سنت است) رجوع دهید! اگر به الله و آخرت ایمان دارید، این بهترین و نیکوترین برداشت است).

گریزی نیست که در تمامی امور باید صبر نمود، مخصوصاً در جنگ با دشمنان الله تعالی و فرستاده‌اش ﷺ، صبر سه نوع است: صبر بر اطاعت از الله تعالی و رسولش ﷺ و صبر بر چیزهایی که الله تعالی حرام فرموده است و صبر بر مصیبتی که در تقدیر از طرف الله تعالی وجود دارد، الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [آل عمران: 200] (ای کسانی ایمان آورده‌اید! صبر کنید و صبر خود را از دیگران بیشتر کنید و مراقبت به عمل آورید و از الله بترسید و تقوا پیشه کنید، باشد که رستگار شوید). همچنین الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَازَعُوا فَعَشَلُوا وَتَذَهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ [الأنفال: 46] (و از الله و فرستاده‌اش اطاعت کنید و کشمکش ننمایید که در مانده می‌گردید و هیبت و شکوه شما از بین می‌رود و صبور باشید که الله با صبرکنندگان است). همچنین در حدیث آمده است: «وَأَعْلَمُ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ، وَأَنَّ الْفَرَجَ مَعَ الْكُرْبِ، وَأَنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»^(۱) (و بدان که یاری شدن و پیروزی به همراه صبر می‌باشد و طوفان بلا به همراه گشایش یافتن است و سختی همراه آسانی است). الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَكَايِنٌ مِّنْ نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرًا فَمَا

(۱) مسند أحمد، 307/1، وقد تكلم على الحديث الحافظ ابن رجب في جامع

وَهُنَّوْا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ
 الصَّابِرِينَ * وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي
 أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ * فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ
 الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿آل عمران: 146-
 148﴾ (و چه بسیار پیامبرانی بوده‌اند که مردان الهی زیادی همراه آنها
 جنگ می‌نموده‌اند و به واسطه‌ی آنچه در راه الله به آنها رسید، سستی
 نمودند و ضعف نشان نمی‌دادند و خواری نشدند و الله صبر کنندگان
 را دوست می‌دارد * سخن آنها جز این نبود که می‌گفته‌اند: «پروردگار
 ما! گناهان ما و اسراف ما در امورمان را ببامرز و ما را ثابت قدم
 گردان و ما را بر گروه کافران یاری فرما و پیروز بنما!» * الله پاداش
 دنیا را به آنها داد و [همچنین] نیکویی پاداش آخرت و الله نیکوکاران
 را دوست می‌دارد).

11- إخلاص برای الله تعالی:

جنگجو و مجاهدی در راه الله وجود ندارد، مگر آن که اخلاص
 داشته باشد، الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ
 دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ...﴾ [الأنفال: 47] (و نباشید از کسانی که
 [برای جنگ] بیرون آمدند در حالی که غرور داشتند و ریا می-
 نمودند...). الله سبحانه می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا
 وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [العنكبوت: 69] (و کسانی که در راه ما جهاد

می‌نمایند، آنها را به راه‌هایمان [مانند نماز، روزه و زکات و ...] هدایت می‌کنیم و الله با نیکوکاران است). مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای رسول الله! مردی وجود دارد که برای غنیمت می‌جنگد و مردی می‌جنگد تا نزد مردم خود را مشهور کند و مردی می‌جنگد تا ریا کند، کدام یک در راه الله [جهاد نموده] است؟ فرمود: «مَنْ قَاتَلَ لِتَكُونَ كَلِمَةً لِلَّهِ هِيَ أَعْلَىٰ فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^(۱) (کسی که برای اعلا‌ی کلمه‌ی الله بجنگد، آن در راه الله است)^(۲). از او ﷺ به ثبت رسیده است که اولین کسانی که روز قیامت به حساب آنها رسیدگی می‌شود سه گروه می‌باشند و از آنها کسی است که جنگ می‌نماید، تا به او بگویند: شجاع^(۳).

12 - اشتیاق داشتن به آنچه نزد الله تعالی است:

از چیزهایی که به پیروزی بر دشمنان کمک می‌کند، اشتیاق داشتن به بخشش الله تعالی و همچنین رسیدن به خوشبختی دنیا و آخرت است؛ به همین دلیل بود که الله تعالی، پیامبر ﷺ و اصحابش ﷺ را یاری

(۱) متفق علیه: البخاری، کتاب الجهاد، باب من قاتل لتكون كلمة الله هي العليا، برقم 2810، ومسلم، کتاب الإمارة، باب من قاتل لتكون كلمة الله هي العليا فهو في سبيل الله برقم 1904.

(۲) متفق علیه: البخاری برقم 2810، ومسلم برقم 1904، وتقدم تخريجه.

(۳) مسلم، کتاب الإمارة، باب من قاتل للرياء والسمعة استحق النار، برقم 1905.

نموده و پیروز گرداند، از چیزهایی که دلیل بر اشتیاق داشتن [افراد بزرگ] به آنچه نزد الله تعالی وجود دارد، می‌باشد، موارد زیر است:

اول: آنچه که عمیر بن حمام رضی الله عنه در غزوه‌ی بدر انجام داد، وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «قَوْمُوا إِلَى جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ» (پاخیزید برای بهشتی که عرض آن به اندازه‌ی آسمانها و زمین است!)، او گفت: ای رسول الله! آیا بهشتی که عرض آن به اندازه‌ی آسمانها و زمین است؟ فرمود: «نَعَمْ» (بله)، او گفت: خیلی خوب است، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مَا يَحْمِلُكَ عَلَى قَوْلِكَ بَيْحِ بَيْحٍ» (چه چیز تو را بر آن داشت تا بگویی خیلی خوب است؟)، گفت: نه به الله قسم ای رسول الله! چیزی نیست مگر آن که امید دارم تا از اهل آن باشم. فرمود: «فَإِنَّكَ مِنْ أَهْلِهَا» (تو از اهل آن هستی)، از تیردانش چند خرما در آورد و شروع به خوردن آنها نمود، سپس گفت: اگر فرصت کنم خرماهای خود را [تا آخر] بخورم، عمر من طولانی خواهد بود، آنچه از خرما در دست او بود، پرتاب کرد، سپس با کافران وارد جنگ شد و به قتل رسید^(۱).

دوم: آنچه انس بن نضر رضی الله عنه عموی انس بن مالک رضی الله عنه در روز جنگ احد انجام داد. او رضی الله عنه بر صحنه‌ی جنگ بدر، درنگ کرد و این برایش سنگین آمد و گفت: اولین محلی که رسول الله صلی الله علیه و آله آن را مشاهده نمود، از آن غایب بودم، و [لی] الله محل بعدی را به من نشان داد تا همراه

(۱) مسلم، کتاب الإمامة، باب ثبوت الجنة للشهيد برقم 1901.

رسول الله ﷺ باشم تا الله به من نشان دهد که در آن چگونه رفتار می-کنم، او همراه رسول الله ﷺ جنگ احد را دید، رو به سعد بن معاذ ﷺ نمود و انس ﷺ به او گفت: ای ابو عمرو! بوی بهشت چه نیکوست، آن را از خارج احد حس می-کنم و آنان را کشت تا آن که کشته شد. در جسد او هشتاد و اندی ضربه و زخم و محل تیر وجود داشت، تا جایی که خواهر او ربیع بنت نضر او را فقط از روی انگشتانش شناخت، [در همین هنگام بود که این آیه نازل گشت]: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا﴾ [الأحزاب: 23] (از [میان] مؤمنان کسانی هستند که در آنچه که با الله پیمان بسته بودند، صادق هستند، بعضی از آنها مرده‌اند و بعضی از آنها انتظار می‌کشند و آنان [پیمان الله تعالی] را تغییر ندادند). برداشت این گونه بود که [این آیه] برای وی و برای اصحابش نازل گشت^(۱).

مسلمانی که مجاهدی در راه الله تعالی می‌باشد، به آنچه نزد الله تعالی است رغبت دارد و برای رسیدن به آن رغبت که کامیابی بزرگی است، به چیز دیگری توجه نمی‌کند.

(۱) متفق علیه: البخاری (بخاری)، کتاب المغازی، باب غزوة أحد برقم 4048، ومسلم واللفظ له، کتاب الإمارة، باب ثبوت الجنة للشهيد برقم 1903.

فَلَسْتَ أَبَالِي حِينَ أَقْتُلُ عَلِيَّ أَيِّ جَنْبٍ كَانَ فِي اللَّهِ
مَسْرِعاً لَمَّا مَصْرِعاً

13- دادن فرماندهی به اهل ایمان:

از سبب‌های یاری شدن و پیروزی سپردن رهبری لشگرها، سپاهیان و نظامیان به کسانی است که به ایمان و عمل صالح شناخته می‌شوند، سپس کسانی که به آنها شباهت بیشتری دارند، سپس کسانی که به آنها در ایمان و عمل صالح نزدیک می‌باشند، زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ [الحجرات: 13] (همانا گرامی‌ترین شما نزد الله با تقواترین شما است، الله بسیار دانا و بسیار باخبر است).¹ الله ﷻ اهل تقوا را دوست می‌دارد و دوست داشته شدن توسط الله سبحانه از بزرگترین اسباب برای توفیق بنده، کامل شدن و یاری شدن وی بر دشمنانش است، الله تعالی می‌فرماید: ﴿بَلَى مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ وَاتَّقَى فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾ [آل عمران: 76] (بله کسی که به پیمانانش وفا نماید و بترسد و تقوا پیشه کند، زیرا الله متقیان و پرهیزگاران را دوست می‌دارد).

14- در پناهگاه قرار گرفتن، توسط اموری که باعث دفع چیزهای

هلاک کننده و شکست دهنده و نزول عذاب می‌شوند:

¹ - آیات دیگری نیز هستند که الله تعالی در آنها می‌فرماید: وی با متقیان و

برای بندگان چیزهایی وجود دارد که آنها را از هلاک شدن و شکست خوردن، نجات می‌دهد و این امور از بزرگترین مسائلی است که باعث می‌شود که هلاک کننده‌ها و جنگها و بیماری‌ها مورد درمان قرار بگیرد و این مسائل قبل از نازل شدن سختی‌ها، باعث حفظ شدن از آنها می‌شود، پس در این مسائلی که باعث نجات می‌شوند، اخلاص داشته باشیم و این مسائل به شرح زیر هستند:

اول: توبه و طلب آمرزش از تمامی گناه‌ها چه کبیره باشند و چه صغیره و توبه قبول نمی‌شود، مگر آن که شروط زیر محقق گردد:

به انتها رساندن تمام گناه‌ها و ترک آنها.

سعی نمودن بر بازگشت نمودن به آنها.

پشیمانی از انجام آن.

اگر گناه در حقی انسانی صورت گرفته باشد، شرط چهارمی نیز برای قبول آن وجود دارد و آن حلالیت طلبیدن از صاحب حق می‌باشد. همچنین توبه هنگام به خرخر افتادن (به حالت مرگ رسیدن) و بعد از طلوع کردن خورشید از مغرب، سودی نمی‌بخشد. شکی نیست که توبه‌ی نصوح و طلب آمرزش نمودن از بزرگترین وسیله‌های یاری شدن و پیروزی است، الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِّن دُونِهِ مِن وَالٍ﴾ [الرعد: 11] (الله [وضع] قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر

آن که آنان خود، احوال خود را تغییر دهند و اگر الله برای قومی بدیی را بخواهد، رد کننده‌ای غیر از او وجود ندارد و به غیر از او یاور و یاری رسانی ندارند)، الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ [الأنفال: 33] (و تا زمانی که تو در بین آنها هستی، الله آنان را عذاب نمی‌کند و الله عذاب کننده‌ی آنها نخواهد بود اگر طلب آمرزش نمایند).

دوم: ترس و تقوا داشتن از الله تعالی. این امری است که بنده را از روی ترسی که از پروردگارش دارد از غضب، خشم و مجازات الله تعالی حفظ می‌کند و مانعی برای رسیدن آنها به بنده می‌شود.

تقوا همان چیزی است که طلق بن حبیب رحمه الله آن را گفته است: «با نوری از طرف الله، از الله تعالی اطاعت صورت گیرد و در نتیجه‌ی آن عملی انجام پذیرد و همچنین با نوری از طرف الله از نافرمانی الله تعالی خودداری صورت گیرد و دلیل آن باید ترس از عذاب الله تعالی باشد»^(۱).

سوم: انجام دادن تمامی واجبات و در پی آن عمل کردن به سنت‌ها و مستحبات؛ زیرا آنها باعث می‌شوند، تا الله تعالی بنده را دوست بدارد و اگر این امر محقق گردد و الله تعالی بنده را دوست بدارد، او را یاری می‌دهد و به وی توفیق می‌دهد و او را نیکو می‌گرداند و به او

(۱) جامع العلوم والحکم لابن رجب 400/1

کمک می‌کند؛ زیرا ابوهریره رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله آورده است که فرمود:

«مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّىٰ أَحِبَّهُ، فَإِذَا أَحَبَبْتَهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا، وَرَجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا، وَإِنْ سَأَلَنِي لِأَعْطِيَنَّهٗ، وَلَئِنْ اسْتَعَاذَنِي لِأُعَيْدَنَّهُ، وَمَا تَرَدَّدْتُ عَنْ شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ تَرَدَّدِي عَنْ نَفْسِ الْمُؤْمِنِ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ، وَأَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ»^(۱) [الله تعالی می‌فرماید: هرکس، با دوستان من دشمنی کند، من با او اعلام جنگ می‌نمایم. بنده‌ام با هیچ چیز محبوبی نزد من به اندازه‌ی انجام آنچه که بر او فرض (واجب) قرار داده‌ام، به من نزدیک نمی‌شود. همچنان با انجام نوافل [و سنت‌ها] به من تقرب می‌جوید تا این که محبوب من قرار می‌گیرد. پس هنگامی که مورد محبتم قرار گرفت، من گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود و چشم او می‌شوم که با آن می‌بیند، دستش می‌شوم که با آن می‌گیرد و پایش می‌شوم که بوسیله‌ی آن راه می‌رود. اگر از من طلب کند، به او عطا می‌کنم و اگر پناه بخواهد، او را پناه می‌دهم. در هر کاری که می‌خواهم انجام دهم، به اندازه‌ی قبض روح مؤمنی که مرگ را نمی‌پسندد و من هم آزارش را نمی‌پسندم، متردد نمی‌شوم).

(۱) البخاری (بخاری)، کتاب الرقاق باب التواضع برقم 6502.

چهارم: امر به نیکی و نهی از بدی؛ زیرا حذیفه رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُوشِكَنَّ اللَّهُ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عِقَابًا مِنْ عِنْدِهِ ثُمَّ لَتَدْعُنَّهُ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَكُمْ»^(۱) (قسم به کسی که جان من در دست اوست یا به نیکی امر می‌کنید و از بدی باز می‌دارید یا این که نزدیک است که الله بر شما مجازاتی از نزد خودش را بیاورد و بعد از آن شما از او دعا می‌کنید ولی او اجابت نمی‌کند)، الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ [الأعراف: 165] (وقتی آنچه را که بدان پند داده می‌شدند فراموش کردند، کسانی را که از بدی نهی می‌کردند، نجات دادیم و کسانی که ظلم می‌کردند را به واسطه‌ی گناهانی که انجام می‌دادند، به عذاب سخت و شدیدی گرفتار نمودیم).

پنجم: اقتدا نمودن به پیامبر صلی الله علیه و آله در تمامی اعتقادات، سخن‌ها و اعمال.

ششم: دعا و زاری نمودن به جانب الله تعالی^(۲).

(۱) الترمذی، کتاب الفتن، باب ما جاء فی الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر برقم 2169، وحسنه الألبانی فی صحیح سنن الترمذی 223/2، وصحیح الجامع 99/6.

(۲) در قبل در سبب هفتم از اسباب یاری یافتن و پیروزی آورده شد.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين، و الصلاة و السلام على نبينا
محمد و على آله و أصحابه و من تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.